



مرکز ملی فضای مجازی  
پژوهشگاه فضای مجازی

# عصر فضای مجازی سوم



## حکمرانے چند ذی ربطے فضای مجازی

Multi-relevant governance Cyberspace



## حکمرانی چند ذی ربطی فضای مجازی

گزارش شماره ۳

خردادماه ۱۳۹۸

تهیه شده در: پژوهشگاه مرکز ملی فضای مجازی- گروه مطالعات فرهنگی و اجتماعی  
تهیه کننده: یاسر خوشنویس (دانشجوی دکترای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)  
ناظر علمی: امیررضا باقرپور شیرازی

سر شناسه	:	خوشنویس، یاسر، ۱۳۶۱ -
عنوان و نام پدیدآور	:	حکمرانی چند ذی ربطی فضای مجازی / تهیه کننده یاسر خوشنویس؛ ناظر علمی امیررضا باقرپور شیرازی؛ تهیه شده در پژوهشگاه مرکز ملی فضای مجازی- گروه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
مشخصات نشر	:	تهران: پژوهشگاه فضای مجازی، ۱۴۰۰
مشخصات ظاهری	:	۴۶ ص. ۱۴/۵×۲۱/۵ س م
فروست	:	عصر فضای مجازی؛ گزارش شماره ۳.
شابک	:	۹۷۸-۶۲۲-۹۷۲۳۰-۴-۳
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
یادداشت	:	کتابنامه: ص. ۴۱
موضوع	:	فضای مجازی -- سیاست دولت
موضوع	:	Cyberspace -- Government policy
شناسه افزوده	:	باقرپور شیرازی، امیررضا، ۱۳۶۱ -
شناسه افزوده	:	پژوهشگاه فضای مجازی. پژوهشگاه فرهنگی و اجتماعی. گروه مطالعات فرهنگی اجتماعی.
رده بندی کنگره	:	HM۸۵۱
رده بندی دیویی	:	۳۰۳/۴۸۳۳
شماره کتابشناسی ملی	:	۸۳۰۲۱۶۹

نشانی: تهران، میدان آرژانتین، خیابان بیهقی، نش خیابان ۱۶ غربی، پلاک ۲۰، کدپستی ۱۵۱۵۶۷۴۳۱۱

شماره تماس: ۸۶۱۲۱۰۶۱ <http://www.majazi.ir>

حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به مرکز ملی فضای مجازی است و استفاده از مطالب آن صرفاً با ذکر مأخذ بلامانع است.

محتوای انتشار یافته در این گزارش الزاماً بیانگر دیدگاه مرکز ملی فضای مجازی نیست

## سخن نخست

فضای مجازی با ثبات شگرف و روبه‌ترایدی که در حال بطن و کسترش است تمام ساحات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی زندگی بشر را در نور دیده و هر روز بخش بزرگی از زندگی واقعی را در خود فرو برده و حیات متفاوت و جدیدی به آن می‌دهد. لذا به نظرمی رسد دو نگاه کلان به فضای مجازی وجود دارد: نگاه اول که بالانص در ابتدای رشد و تکوین فضای مجازی مسلط شده بود، آن را همچون ابزارهای کنار سایر ابزارهای بشری تصویر می‌کرد که تنها طریقت داشت. اما نگاه دوم، در نتیجه رشد تحولات خیره‌کننده فضای مجازی و سایه‌گستری آن در حوزه‌ها و شئون بشر در یک دهه اخیر آن را چون سکویی می‌داند که بسیار فراتر از نشان ابزارهای حیات انسان‌ها را سامان جدیدی داده و ادعای تمدن‌نویسی را دارد. رویکردی که از قضا از چشمان بصیر رهبر انقلاب نیز دور نمانده و انتظاری تمدنی از فضای مجازی در ایران را مطالبه داشته‌اند.

در همین راستا گزارش‌های عصر فضای مجازی تلاش می‌کند تا فهم سازمان‌ها و دستگاه‌های مرتبط با حوزه‌ی فضای مجازی را ارتقاء بخشد و آن‌ها را برای مواجهه فعال و خردمندانه با تحولات این عرصه مهیا سازد.

سید ابوالحسن فیروزآبادی  
دبیر شورای عالی و رئیس مرکز ملی فضای مجازی

## چکیده

حکمرانی چند ذی‌ربطی رویکردی نسبتاً جدید برای حکمرانی در حوزه عمومی است که طی دو دهه اخیر مورد توجه قرار گرفته است. در سند نهایی اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی در سال ۲۰۰۵ در تونس که به دستور کار تونس شهرت یافت، پیشنهاد شده است که حکمرانی بین‌المللی اینترنت به شکلی چند ذی‌ربطی پی گرفته شود. این ایده را می‌توان در سطح ملی نیز به کار بست. در این گزارش، پس از مروری برای مفهوم و شاخصه‌های حکمرانی چند ذی‌ربطی و انتقادات مطرح شده نسبت به آن، دو سند بین‌المللی را که استلزاماتی در زمینه حکمرانی چند ذی‌ربطی دارند، مرور می‌کنیم و سپس، با تکیه بر شاخص‌های حکمرانی چند ذی‌ربطی در سند «شاخص‌های جهانشمول بودن اینترنت» که توسط یونسکو منتشر شده است، نگاهی به وضعیت کنونی کشور از حیث حکمرانی چند ذی‌ربطی فضای مجازی خواهیم داشت. در نهایت، پیشنهادهایی را درباره نزدیک شدن به رویکردی چند ذی‌ربطی در حکمرانی فضای مجازی در ایران مطرح خواهیم کرد.

**واژگان کلیدی:** فضای مجازی، حکمرانی چند ذی‌ربطی، شاخص‌های جهانشمول بودن

اینترنت

## فهرست مطالب

- ۱ - نگاهی به حکمرانی چند ذی ربطی..... ۱
- ۱-۱- چستی حکمرانی چند ذی ربطی..... ۱
- ۲-۱- شاخصه‌های حکمرانی چند ذی ربطی..... ۲
- ۳-۱- انتقاداتی به حکمرانی چند ذی ربطی..... ۴
- ۲- بررسی اسناد بین‌المللی در حوزه حکمرانی فضای مجازی..... ۷
- ۱-۲- شاخص‌های یونسکو برای جهانشمول بودن اینترنت..... ۸
- ۱-۱-۲- پیشینه..... ۸
- ۲-۱-۲- مرور سند..... ۱۱
- ۳-۱-۲- تحلیل..... ۲۳
- ۲-۲- گزارش تحول دیجیتال در صنایع: تأثیرات اجتماعی..... ۲۴
- ۱-۲-۲- پیشینه..... ۲۴
- ۲-۲-۲- مرور سند..... ۲۵
- ۳-۲-۲- تحلیل..... ۳۲
- ۳- وضعیت حکمرانی فضای مجازی در کشور بر مبنای حکمرانی چند ذی ربطی..... ۳۳
- ۱-۳- چهارچوب سیاستی، حقوقی و مقرراتی..... ۳۳
- ۲-۳- حکمرانی ملی فضای مجازی..... ۳۵
- ۳-۳- حکمرانی منطقه‌ای و بین‌المللی..... ۳۶
- ۴- جمع‌بندی..... ۳۷
- ۵- پیشنهادها..... ۳۸
- ۶- منابع..... ۴۱

## ۱- نگاهی به حکمرانی چند ذی‌ربطی

### ۱-۱- چిستی حکمرانی چند ذی‌ربطی

حکمرانی چند ذی‌ربطی<sup>۱</sup> رویکردی در حکمرانی است که بر مشارکت ذی‌ربطان گوناگون در تدوین، اجرا و ارزیابی سیاست‌ها، قوانین و مقررات در حوزه عمومی تأکید می‌کند. ذی‌ربط عبارت است از هر فرد، گروه یا سازمان که منفعت/علاقه<sup>۲</sup> مستقیم یا غیرمستقیمی در زمینه مسئله یا هدف مورد بحث داشته باشد. ذی‌ربطان می‌توانند کسب‌وکارها، جامعه مدنی، دولت‌ها، نخبگان، مؤسسات تحقیقاتی و سازمان‌های غیردولتی باشند. معمولاً برای اشاره به این افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها از واژه «ذی‌نفع» استفاده می‌شود، اما واژه «نفع» عمدتاً معنایی اقتصادی را به ذهن متبادر می‌کند، در حالی که علائق/منافع ذی‌ربطان همواره اقتصادی نیست. به عنوان مثالی در حوزه فضای مجازی، فردی که از شبکه‌های اجتماعی برای ارتباط با خویشاوندانش بهره می‌گیرد، علاقه خود را برای کسب حمایت و گسترش روابط اجتماعی دنبال می‌کند و یک ذی‌ربط به شمار می‌رود، اما نفعی اقتصادی نمی‌برد. هر دو واژه ذی‌نفع و ذی‌ربط را می‌توان معادلی برای stakeholder در نظر گرفت. اگرچه گاه عبارت relevant groups نیز در متون دیده می‌شود که با واژه ذی‌ربط قرابت دارد.

مدل حکمرانی چند ذی‌ربطی نوعی ساختار حکمرانی است که سعی دارد ذی‌ربطان را گرد هم آورد تا در گفتگو، تصمیم‌سازی و اجرای راه‌حل‌ها برای مسائل یا رسیدن به اهداف مشترک مشارکت کنند. فرایند چند ذی‌ربطی مستلزم درگیر شدن کامل تمامی ذی‌ربطان، تصمیم‌گیری مبتنی بر اجماع و عمل کردن به شیوه‌ای باز، شفاف و پاسخگوست. (CCPT, 2019)

فرایندهای چند ذی‌ربطی فرایندهایی را توصیف می‌کند که قصد دارند ذی‌ربطان اصلی را در شکل جدیدی از ارتباطات، تصمیم‌یابی و احتمالاً تصمیم‌سازی در مورد موضوعی خاص گرد هم آورند. این فرایندها بر درک اهمیت دست یافتن به برابری و پاسخگویی در ارتباطات میان ذی‌ربطان مبتنی‌اند. همچنین این فرایندها به اصول دموکراتیک شفافیت و مشارکت متکی‌اند و هدف از آنها این است که مشارکت شکل گیرد و شبکه‌های میان ذی‌ربطان تقویت شود. این

<sup>۱</sup> multi-stakeholder governance

<sup>۲</sup> interest

فرایندها طیف گسترده‌ای از ساختارها را در سطوح مختلف درگیر شدن ذی‌ربطان در بر می‌گیرند؛ از جمله گفتگو درباره سیاست‌ها تا دست یافتن به اجماع، تصمیم‌سازی و اجرای راه‌حل‌های عملی. (Hemmati, 2002)

ایده بهره‌گیری از رویکرد حکمرانی چند ذی‌ربطی در حوزه فضای مجازی به اجلاس جامعه اطلاعاتی در تونس در سال ۲۰۰۵ باز می‌گردد. سند نهایی این اجلاس که به دستورکار تونس برای جامعه اطلاعاتی شهرت یافته، حکمرانی اینترنت را تعریف می‌کند و از کشورها می‌خواهد که رویکردی چند ذی‌ربطی را در زمینه حکمرانی اینترنت اتخاذ کنند. (سلطانی، ۱۳۹۴، ۱۶۰) با الهام گرفتن از این تعریف، می‌توان حکمرانی فضای مجازی را به ترتیب زیر تعریف کرد:

تدوین و به کار بستن اصول، هنجارها، قواعد، رویه‌ها و برنامه‌های مشترکی توسط دولت(ها)، بخش خصوصی و جامعه مدنی که تطور و استفاده از فضای مجازی را شکل می‌دهند.

هنگامی که از حکمرانی فضای مجازی در یک کشور صحبت می‌کنیم، تنها یک دولت را در نظر داریم. اما هنگامی که از حکمرانی فضای مجازی در سطح بین‌المللی صحبت می‌کنیم، دولت‌های متعددی مد نظر قرار می‌گیرند. به همین دلیل است که نشانه جمع «ها» در پرانتز ذکر شده است.

## ۱-۲- شاخصه‌های حکمرانی چند ذی‌ربطی

حکمرانی چند ذی‌ربطی مفهوم نسبتاً جوانی در حوزه حکمرانی است و مطرح شدن آن به دهه ۱۹۹۰ باز می‌گردد. مفاهیمی همچون حکمرانی مشارکتی<sup>۱</sup>، حکومت چندتنی<sup>۲</sup> و دموکراسی تأملی<sup>۳</sup> در اواخر قرن بیستم مطرح شدند تا بتوانند کارآمدی مدل‌های حکمرانی مبتنی بر دموکراسی را بهبود بخشند و نقائص شیوه‌های حکمرانی موجود را هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی کاهش دهند. حکمرانی چند ذی‌ربطی در حوزه‌های سیاستی مختلفی مورد مطالعه قرار گرفته یا به کار بسته شده است. (برای مثالی در حوزه آموزش، نگاه کنید به:

<sup>۱</sup> participatory

<sup>۲</sup> polyarchy

<sup>۳</sup> deliberative

Menshay, 2017) در اینجا، شاخصه‌های حکمرانی چند ذی‌ربطی را با تمرکز بر حکمرانی فضای مجازی بررسی می‌کنیم.

آنری فان در اسپوی در یک گزارش سیاستی که توسط یونسکو منتشر شده، ایده مشارکت چندذی‌ربطی در حکمرانی اینترنت را می‌کاود. عنوان این گزارش چنین است: «چه می‌شد اگر همگان اینترنت را حکمرانی می‌کردند» (Van der Spuy, 2017) طبق این گزارش، حکمرانی چندذی‌ربطی رویکرد خاصی در حکمرانی است که در آن، ذی‌ربطان مرتبط به نحوی جمعی در شکل‌گیری تحولات و کاربردهای اینترنت مشارکت می‌کنند؛ به نحوی که علائق/منافع همه این ذی‌ربطان و نه تنها یک یا چند قدرت اصلی در تصمیم‌گیری‌ها درباره اینترنت منعکس شوند. رویکرد چندذی‌ربطی باید دارای خصوصیات زیر باشد:

- فراگیری: تمامی ذی‌ربطان شناسایی شوند و مشارکت آن‌ها جلب شود.
  - گوناگونی: ذی‌ربطان با علائق/منافع گوناگون و واگرا در تصمیم‌گیری‌ها حضور داشته باشند.
  - همکارانه بودن: مشارکت باید به گونه‌ای باشد که همکاری میان ذی‌ربطان مختلف پدید آید.
  - شفافیت: سازوکارهای تصمیم‌گیری و نحوه رسیدن به نتایج باید شفاف باشد.
  - تساوی‌طلبانه بودن: ذی‌ربطان مختلف باید از موقعیتی برابر برای مشارکت برخوردار باشند.
  - انعطاف‌پذیری: باید نسبت به ایده‌ها و شیوه‌های عمل مختلفی که پیشنهاد می‌شوند، انعطاف‌پذیر بود.
  - پاسخگویی و مشروعیت: تصمیمات نهایی باید مشروعیت داشته باشند و تصمیم‌گیران نسبت به تبعات آن‌ها پاسخگو باشند.
  - داشتن قدرت واکنش به تغییرات: باید رویکرد و شیوه حکمرانی با توجه به تغییرات در محیط یا در علائق/منافع ذی‌ربطان، به شکل مناسبی تغییر کند.
- فان در اسپوی در پایان این گزارش، توصیه‌های زیر را برای اتخاذ رویکرد چندذی‌ربطی مطرح می‌کند:

۱. سطح آگاهی از مزایای بالقوه رویکرد چندذی‌ربطی افزایش یابد.



۲. رویکرد چندذی‌ربطی را باید به طور خاص و متناسب با ملزومات و چالش‌های اختصاصی حکمرانی اینترنت طراحی و تنظیم کرد.
۳. هر یک از چالش‌های پیش رو در حکمرانی اینترنت را باید به نحوی روشن صورتبندی کرد و اهداف مورد نظر را پیش از دست زدن به عمل به دقت تعریف کرد.
۴. ذی‌ربطان مشروع را باید شناسایی کرد و آن‌ها را از ابتدا درگیر ساخت.
۵. شیوه‌های کاری باید شفاف و فراگیر باشند.
۶. مشارکت‌کنندگان باید از موضعی برابر وارد همکاری شوند.
۷. همکاری ذی‌ربطان باید با پذیرش گوناگونی و تنوع دیدگاه‌ها همراه باشد.
۸. گوناگونی ذی‌ربطان باید تنوع منطقه‌ای، زبانی و نیز تنوع در علائق/منافع را در بر گیرد.
۹. اقداماتی با هدف تقویت پاسخگویی باید در فرایندهای کاری جای داده شوند.
۱۰. فرایندها و پیامدهای رویکرد چندذی‌ربطی را باید به طور مداوم ارزیابی کرد.
۱۱. باید تحقیقات بیشتری با این هدف انجام گیرد که حکمرانی چندذی‌ربطی نهادینه شود و پایدار گردد.

### ۱-۳ - انتقاداتی به حکمرانی چند ذی‌ربطی

همزمان با بسط ایده حکمرانی چند ذی‌ربطی و استفاده از آن در حوزه‌های سیاستی، انتقاداتی نسبت به این مدل مطرح شده است. (Kurre, 2017; Mueller, 2014) این انتقادات نوعاً دموکراسی‌های مدرن را به عنوان نظام‌های سیاسی و حکمرانی مناسب می‌پذیرند و همچنین، به این نکته توجه دارند که حکمرانی چند ذی‌ربطی مدعی است که کارآمدی این دموکراسی‌ها با اتخاذ رویکرد چند ذی‌ربطی بهبود پیدا می‌کند. بنابراین، نقادی آن‌ها متوجه بنیان نظری و هدف نهایی حکمرانی چند ذی‌ربطی نیست، بلکه متوجه دو نکته است:

- (۱) مشکلات اجرایی در زمینه حکمرانی چند ذی‌ربطی: با فرض اینکه این رویکرد در حکمرانی کارآمد است، چگونه می‌توان آن را در عمل به اجرا درآورد؟
- (۲) تردید در مورد کارآمدتر بودن این شیوه نسبت به حکمرانی متمرکز: آیا رویکرد چند ذی‌ربطی کارآمدتر از حکمرانی متمرکز است؟

در مورد موضوع اول، مهم‌ترین نکته این است که چگونه می‌توان ذی‌ربطان را شناسایی کرد و به رسمیت شناخت. به عبارت دیگر، چه کسانی ذی‌ربط دانسته می‌شوند. در مورد حکمرانی اینترنت، اکنون بیش از ۳ میلیارد کاربر اینترنت در سراسر جهان وجود دارد و نهادهای خصوصی و عمومی متعددی در این حوزه فعال هستند. چگونه می‌توان تمامی این کنشگران را گروه‌بندی کرد و چگونه می‌توان نمایندگان آن‌ها را برای مشارکت در تدوین سیاست‌ها و مقررات مشارکت شناسایی کرد؟

نکته مهم دیگر این است که چگونه می‌توان رویکرد تساوی طلبانه مورد نظر در حکمرانی چند ذی‌ربطی را در عمل به اجرا درآورد. ذی‌ربطان از حیث قدرت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی یکسان نیستند. آیا تساوی طلبی به معنای رأی برابر برای هر یک از ذی‌ربطان است یا نمایندگان هر یک از ذی‌ربطان باید رأی برابر داشته باشند؟

علاوه بر این، انتقاد شده است که حکمرانی چند ذی‌ربطی با دموکراسی‌های بلوغ‌یافته تناسب دارد. در کشورهایی که دموکراسی بسط نیافته و مستقر نشده است، ذی‌ربطان غیردولتی در عمل سازمان‌یافته نیستند و نمی‌توانند در تدوین سیاست‌ها و رویه‌های مشارکت کنند. در این حالت، حکمرانی چند ذی‌ربطی یا قابل اجرا نیست، یا در عمل به شیوه‌ای نمایشی پی گرفته می‌شود. در مورد موضوع دوم، انتقاد شده است که حکمرانی چند ذی‌ربطی کند و پرهزینه است. گرد هم آوردن ذی‌ربطان مختلف هزینه بر است و همچنین، زمان مربوط به طرح مباحث و دست یافتن به تصمیم نهایی را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، هرچه تعداد ذی‌ربطان و تنوع دیدگاه‌ها افزایش پیدا کند، دست یافتن به اجماع دشوارتر می‌شود.

در پاسخ به این انتقادات، از سوئی گفته می‌شود که رویکرد چند ذی‌ربطی هنوز نیازمند ایضاح و بسط است. این موضوع در توصیه‌های پایانی گزارش سیاستی فان در اسپوی نیز به خوبی دیده می‌شود. باید شیوه‌های اجرایی به رسمیت شناختن ذی‌ربطان و همچنین، نحوه اعطای حق رأی به آن‌ها مورد بررسی قرار گیرد. برای مثال، باید روشن شود که چند کرسی برای گروه‌های کاربران، نمایندگان کسب‌وکارهای مبتنی بر اینترنت و نمایندگان فراهم‌کنندگان خدمات اینترنتی در نظر گرفته می‌شود و آیا این کرسی‌ها مشورتی هستند یا دارای حق رأی.

در مورد تناسب رویکرد چند ذی‌ربطی با دموکراسی‌های بلوغ‌یافته، باید به این نکته اشاره کرد که رویکرد مذکور در واقع تلاشی برای به رسمیت شناختن و مشارکت دادن ذی‌ربطانی است که در شیوه‌های کنونی نادیده گرفته یا طرد می‌شوند. بنابراین، روشن است که حکمرانی چند

ذی‌ربطی در حالت آرمانی خود هم اکنون در بسیاری از کشورها قابل اجرا نیست، اما این حالت آرمانی با شاخصه‌هایی همچون فراگیری، برابری و همکارانه بودن یک چشم انداز نهایی را شکل می‌دهد که اقدامات آتی را هدایت می‌کند. حکمرانی چند ذی‌ربطی وجهی هنجاری دارد که به آنچه «باید» پدید آید، توجه نشان می‌دهد. بنابراین، نقائص کنونی دلیل مناسبی برای کنار گذاشتن این رویکرد نیستند، بلکه می‌توان با تکیه بر این رویکرد، نقائص را کاهش داد یا برطرف کرد.

موضوع دوم در مورد کارآمدتر بودن حکمرانی چند ذی‌ربطی دارای اهمیت خاصی است. مدافعان این رویکرد مدعی‌اند که با اتخاذ آن، منافع/علائق ذی‌ربطان به نحوی نظام‌مند مد نظر قرار می‌گیرد و تصمیم‌های نهایی از مشروعیت بیشتری برخوردار خواهند بود و پایداری کل نظام سیاستی را بیش از حکمرانی متمرکز تضمین خواهد کرد. در این صورت، کند بودن و هزینه‌بر بودن این رویکرد قابل دفاع خواهد بود. در عین حال، قضاوت نهایی در این خصوص نیازمند مطالعات تجربی است. همچنین، باید شیوه‌های پایان بخشیدن به مذاکرات و دست یافتن به تصمیم نهایی نیز مورد تأمل قرار گیرند. قاعدتاً مدافعان رویکرد چند ذی‌ربطی خواهان مباحثات بی‌پایان میان ذی‌ربطان نیستند، خصوصاً با توجه به اینکه به هنگام تدوین سیاست‌ها، تقریباً هیچ‌گاه نمی‌توان منافع تمامی ذی‌ربطان را بیشینه کرد، باید شیوه‌هایی برای تشخیص منافی که باید قربانی شوند و شیوه‌های اقناعی یا جبرانی برای ذی‌ربطانی که منافع‌شان را از دست می‌دهند، در نظر گرفته شود.

نکات اخیر را نباید پاسخ‌هایی نهایی و قاطع به انتقادات در نظر گرفت. رویکرد حکمرانی چند ذی‌ربطی در آغاز راه خویش است و ابهامات مفهومی و مشکلات اجرایی آن نباید نادیده گرفته شوند. با این وجود، نویدهای این رویکرد برای کارآمدی، مشروعیت و پایداری بیشتر می‌توانند انگیزه‌ای برای رفع ابهامات و چالش‌ها و در عین حال، بررسی مداوم عملکردها در این خصوص باشند.

## ۲- بررسی اسناد بین‌المللی در حوزه حکمرانی فضای مجازی

طی دو دهه اخیر، اسناد و برنامه‌های مختلفی در سطح بین‌المللی تدوین و منتشر شده‌اند که می‌توانند استلزاماتی برای حکمرانی فضای مجازی در ایران و به طور خاص، درباره حکمرانی چند ذی‌ربطی داشته باشند. در این گزارش، دو مورد از این اسناد را مرور و بررسی خواهیم کرد. لازم است که پیش از پرداختن به اسناد مذکور، توضیحی درباره مفهوم «استلزام» ارائه شود. هنگامی که از استلزامات یک سند یا برنامه صحبت می‌کنیم، استلزام می‌تواند به یکی از سه معنای زیر مد نظر قرار گیرد:

- گاه بندی از یک برنامه یا سند می‌تواند الهام‌بخش باشد. به این معنا که می‌توان از ایده پشتیبان بند مذکور برای بهبود رویکرد، شیوه عمل یا ساختار حکمرانی فضای مجازی در ایران بهره گرفت. برای مثال، ایده «حکمرانی چندذی‌ربطی» که در سندهای مختلفی از جمله «دستور کار تونس برای جامعه اطلاعاتی» مورد اشاره قرار گرفته است، می‌تواند در طراحی یا بهبود بخشیدن به ساختار حکمرانی فضای مجازی در ایران الهام‌بخش باشد.

- گاه بندی از یک برنامه یا سند قیدی را برای فعالیت‌ها مطرح می‌کند. این قید فعالیت کشورها در زمینه فضای مجازی را در سطح ملی یا بین‌المللی در چهارچوب خاصی قرار می‌دهد. برای مثال، در سند «شاخص‌های یونسکو برای جهانشمول‌بودن اینترنت» ذکر شده است که حکمرانی اینترنت باید با حقوق بشر متناسب باشد. این تناسب به عنوان نوعی قید یا الزام عمل می‌کند و فضای عمل کشورها را مقید می‌سازد.

- گاه بندی از یک برنامه یا سند فرصتی را برای کشورها فراهم می‌آورد تا از فضای مجازی و قابلیت‌های آن برای دست یافتن به هدفی خاص بهره گیرند. برخی از اهداف سند هزاره و سند توسعه پایدار از این دست هستند. برای مثال برای دست یافتن به هدف ریشه‌کنی فقر در اهداف توسعه پایدار، می‌توان از فرصت‌های کسب‌وکارهای مجازی بر بستر اینترنت بهره گرفت.

- گاه بندی از یک برنامه یا سند همچون نوعی چالش یا تهدید عمل می‌کند. برای نمونه، ساختار حکمرانی بر نظام نام دامنه از طریق نهاد آی‌کان با توجه به اینکه

آیکان یک مؤسسه آمریکایی است و عملاً از سیاست‌های دولت آمریکا متأثر است، یک چالش یا تهدید برای حکمرانی فضای مجازی در ایران به شمار می‌رود.

بدین ترتیب، در اینجا واژه استلزام را در معنایی موسع به کار می‌بریم که می‌تواند هر یک از مفاهیم الهام‌بخشی، قید، فرصت، چالش و تهدید را در بر داشته باشد.

در ادامه، برخی از اسناد و برنامه‌های دارای اهمیت در سطح بین‌المللی را به اختصار مرور خواهیم کرد و استلزامات آن‌ها را برای حکمرانی فضای مجازی در ایران و خصوصاً در مورد رویکرد حکمرانی چند ذی‌ربطی مورد بررسی قرار خواهیم داد. ذکر این نکته مفید است که رویدادهای مربوط به اجلاس‌های جهانی جامعه اطلاعاتی در ژنو و تونس در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ و اسناد آن‌ها در فصل چهارم کتاب «به سوی کنوانسیون سایبری» (سلطانی، ۱۳۹۴) به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته و بنابراین در اینجا، این رویدادها و تأسیس نهادهایی همچون مجمع جهانی حکمرانی اینترنت را مرور نمی‌کنیم، بلکه به تحولاتی می‌پردازیم که پس از دوره زمانی مورد بررسی در این کتاب (سال ۲۰۱۴ به بعد) روی داده‌اند.

## ۲-۱- شاخص‌های یونسکو برای جهانشمول‌بودن اینترنت

### ۲-۱-۱- پیشینه

در سال ۲۰۱۳، یونسکو مفهوم «جهانشمول‌بودن» اینترنت را مطرح کرد و پس از دو سال مطالعه و مشاوره با کشورهای و نهادهای درگیر، این مفهوم و اصول چهارگانه آن در سال ۲۰۱۵ در مجمع عمومی یونسکو اعلام شد و به تصویب رسید. در گام بعدی، برنامه بین‌المللی توسعه ارتباطات (IPDC) وابسته به یونسکو در سال ۲۰۱۷ مطالعاتی را برای تدوین شاخص‌های ارزیابی وضعیت جهانشمول‌بودن اینترنت در کشورها آغاز کرد و پیش‌نویس سند مربوط به این شاخص‌ها در نوامبر ۲۰۱۸ منتشر شد. (IPDC, 2018) در اینجا، ابتدا اصول چهارگانه مفهوم جهانشمول‌بودن اینترنت را مورد بررسی قرار می‌دهیم و سپس، شاخص‌ها را به طور کامل ذکر می‌کنیم. شایسته است که هر یک از این شاخص‌ها به صورت تفصیلی مورد بررسی قرار گیرد و پیشنهاد می‌شود که گزارشی درباره وضعیت کشور در مورد این کشورها تدوین گردد. همچنین، این متن هنوز یک پیش‌نویس است و به تصویب نهایی نرسیده، بنابراین، کشورها و از جمله ایران

از این فرصت برخوردارند که نظرات و پیشنهادهای خود را در مورد پیش‌نویس به یونسکو ارائه دهند.<sup>۱</sup>

سازمان یونسکو در وبسایت تصریح می‌کند که «اینترنت بسیار فراتر از زیرساخت و کاربرد است. اینترنت شبکه‌ای از تعاملات و روابط اقتصادی و اجتماعی است و قابلیت بسیاری برای متحقق کردن حقوق و توانمندساختن افراد و جوامع دارد و همچنین، می‌تواند توسعه پایدار را تسهیل کند.»<sup>۲</sup>

در سند شاخص‌های یونسکو برای جهانشمول‌بودن اینترنت، علاوه بر نکات فوق چنین آمده است: «اینترنت همچنین چالش‌هایی را برای هنجارهای تثبیت‌شده پدید می‌آورد که تأثیراتی هم مثبت و هم منفی بر پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و توسعه‌ای دارند. ... این تأثیرات همگی به دستور کار یونسکو مرتبط‌اند و بخشی از محیط پیچیده اینترنت به شمار می‌آیند که می‌توان آن را از طریق منشور جهانشمول‌بودن اینترنت به نحوی سودمند مورد کاوش قرار داد و بهبود بخشید. این مفهوم چشم‌اندازی را ترسیم می‌کند که چهار اصل را به عنوان ستون‌های کلیدی رشد و تطور اینترنت برجسته می‌سازد و اشاره می‌کند که باید این ستون‌ها را تقویت کرد تا اینترنت حضور گسترده‌تری در امور انسانی پیدا کند.» (IPDC, 2018, 1) بدین ترتیب، می‌بینیم که بحث درباره اینترنت از موضوعی صرفاً فنی فراتر می‌رود و به جنبه‌های اجتماعی و اقتصادی آن توجه نشان داده می‌شود. این توجه خود را در اصول چهارگانه جهانشمول‌بودن اینترنت و همچنین در شاخص‌های این مفهوم نشان می‌دهد که در ادامه به آن‌ها خواهیم پرداخت.

چهار اصل کلیدی در جهانشمول‌بودن اینترنت به ترتیب زیر هستند:

- اینترنت باید بر حقوق بشر مبتنی باشد.
- اینترنت محیطی باز است.
- اینترنت باید برای همگان در دسترس باشد.
- مشارکت چندذی‌ربطی اینترنت را پیش می‌برد.

<sup>۱</sup> در صفحه مربوط به جهانشمول‌بودن اینترنت در وبسایت یونسکو با نشانی <https://en.unesco.org/internetuniversality> و همچنین، صفحه خبری مربوط به انتشار پیش‌نویس به نشانی <https://en.unesco.org/news/unesco-releases-final-draft-internet-universality-indicators> فراخوانی برای اظهارنظر درباره پیش‌نویس منتشر نشده، اما افراد زیر برای طرح پرسش‌ها درباره پیش‌نویس معرفی شده‌اند: خانم ژیان‌هونگ هو ([x.hu@unesco.org](mailto:x.hu@unesco.org)) و آقای ژوسلین گیلارمو ([j.guillarmou@unesco.org](mailto:j.guillarmou@unesco.org)).

<sup>۲</sup> <https://en.unesco.org/internetuniversality/about>

چهار حرف R به نشانه حقوق بشر، O به نشانه باز بودن، A به نشانه دسترس پذیری و M به نشانه مشارکت چندذی ربطی مجموعاً عبارت اختصاری ROAM را می‌سازند که به عنوان خلاصه‌ای از اصول جهانشمول بودن اینترنت به آن اشاره می‌شود.

اصل اول اینترنت را در سیاق گسترده‌تری جای می‌دهد که همچون نوعی قید عمل می‌کند: آنچه در اینترنت روی می‌دهد باید در چهارچوب حقوق بشر باشد. در ادامه به شاخص‌های اختصاصی این اصل اشاره می‌کنیم. اما روشن است که تنش‌های میان حقوق کنونی افراد در کشور و حقوق بشر به این زمینه نیز بسط پیدا می‌کنند. در این حالت، چالش‌هایی که به طور عمومی در زمینه حقوق بشر وجود دارد، در مورد دامنه و چگونگی فعالیت افراد در اینترنت مجدداً بروز پیدا می‌کنند. این موضوع به مطالعه حقوقی اختصاصی نیاز دارد.

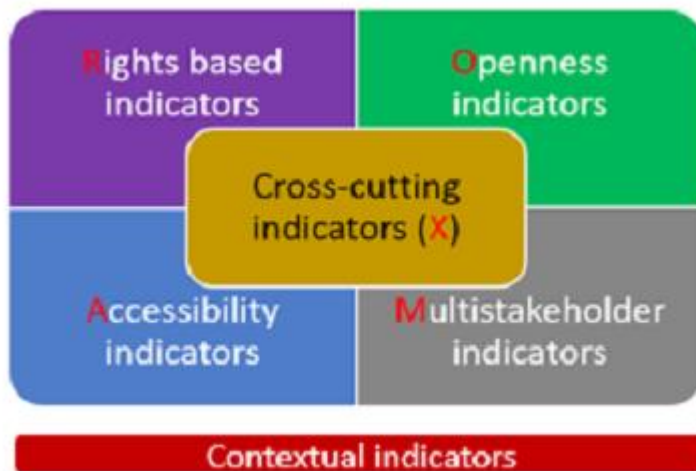
اصل دوم به باز بودن اینترنت اشاره دارد. ایده باز بودن پیوندهای گسترده‌ای با مباحث مربوط به آزادی عقیده و آزادی بیان در حقوق بشر دارد و بنابراین، از این حیث می‌توان آن را در چهارچوب مطالعه چالش‌های مربوط به حقوق بشر مورد بررسی قرار داد. علاوه بر این، بحث فیلترینگ به طور خاص اهمیت پیدا می‌کند. چراکه اصل باز بودن فیلترینگ را مقید می‌سازد. اصل سوم یعنی دسترسی همگانی را می‌توان هم یک قید و هم نوعی فرصت تلقی کرد. دسترسی به این اینترنت فرصتی برای افراد در مناطق دورافتاده برای پرداختن به کسب‌وکارهای جدید و همچنین، مشارکت در جامعه مدنی تلقی می‌شود. در عین حال، فراهم کردن این دسترسی به سرمایه‌گذاری‌های خاص هم از حیث زیرساخت فنی و هم از حیث تأمین امنیت و حریم خصوصی کاربران نیاز دارد.

با این همه، آنچه در این میان متمایز و جدید به نظر می‌رسد، اصل مشارکت چندذی ربطی است. همچنانکه اشاره شد، سابقه این اصل به اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی در تونس در سال ۲۰۰۵ باز می‌گردد. (سلطانی ۱۳۹۶، ۱۶۱) در سند نهایی این اجلاس یعنی «دستورکار تونس برای جامعه اطلاعاتی»، به دفعات اشاره شده است که حکمرانی اینترنت باید به شیوه‌ای چندذی ربطی یا با مشارکت چندذی ربطی انجام گیرد. پس از ذکر این پیشینه، به شاخص‌های جهانشمول بودن اینترنت می‌پردازیم.

## ۲-۱-۲- مرور سند

همچنانکه که ذکر شد، IPDC پیش‌نویس شاخص‌های جهانشمول بودن اینترنت را در سال ۲۰۱۸ منتشر کرد. این شاخص‌ها چهار اصل جهانشول بودن اینترنت را به سطحی عملیاتی می‌رسانند به نحوی که وضعیت هر کشور در مورد آن‌ها قابل رصد و ارزیابی باشد. می‌توان سند مربوط به شاخص‌های مذکور را یکی از توسعه‌یافته‌ترین متون بین‌المللی در زمینه حکمرانی اینترنت دانست که از سطح ایده‌آل‌های کلی و مفاهیم پایه فراتر رفته و به سطحی علمیاتی رسیده است. به همین دلیل، در اینجا شاخص‌ها را به طور کامل ذکر خواهیم کرد.

شاخص‌های جهانشمول بودن اینترنت در شش دسته تدوین شده است. دسته اول شاخص‌های زمینه‌ای هستند که وضعیت عمومی هر کشور را از نظر اقتصاد، جمعیت‌شناسی، توسعه، برابری، حکمرانی و توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات مشخص می‌کند. سپس، چهار دسته شاخص اختصاصی برای هر یک از چهار اصل پیش‌گفته تعیین شده و دسته نهایی نیز شاخص‌های ترکیبی است که همزمان به دو یا چند اصل مرتبط‌اند. شکل زیر نمایی از این شش دسته شاخص را نشان می‌دهد:



شکل ۱: نمایی از شش دسته شاخص جهانشمولی بودن اینترنت (IPDC, 2018)

فهرست شاخص‌ها به ترتیب زیر هستند.



## شاخص‌های زمینه‌ای

## الف: شاخص‌های اقتصادی

- سرانه درآمد ناخالص داخلی با در نظر گرفتن برابری قدرت خرید
- نرخ رشد درآمد ناخالص داخلی در ده سال اخیر
- سهم خدمات از تولید ناخالص داخلی

## ب: شاخص‌های جمعیت‌شناختی

- جمعیت کشور و نرخ رشد آن
- امید به زندگی به تفکیک جنس
- سهم کودکان، نوجوانان، افراد در سن کار و سالمندان در جمعیت کشور
- تنوع زبانی
- میزان شهرنشینی

## ج: شاخص‌های توسعه‌ای

- شاخص توسعه انسانی سازمان ملل
- متوسط سال‌های تحصیل و سهم گروه‌های سنی دوره ابتدایی، متوسطه و عالی

## تحصیلی به تفکیک جنس

- نرخ باسوادی به تفکیک جنس
- سهم جمعیت برخوردار از برق

## د: شاخص‌های برابری

- ضریب جینی
- شاخص نابرابری جنسیتی

## ه: شاخص‌های حکمرانی

- شاخص‌های جهانی حکمرانی
- شاخص حکومت قانون
- شاخص سهولت کسب‌وکار

## و: شاخص‌های توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات

- شاخص توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات (اتحادیه بین‌المللی مخابرات)

- شاخص اتصال تلفن همراه
- شاخص آمادگی شبکه‌ای (مجمع جهانی اقتصاد)
- شاخص تجارت الکترونیک (آنکتاد)

همچنانکه ذکر شد، این شاخص‌ها نشانگر وضعیت کلی کشور هستند و همه آن‌ها به صورت دوره‌ای توسط نهادهای بین‌المللی مختلفی مانند بانک جهانی، بخش‌های مختلف سازمان ملل و مجمع جهانی اقتصاد اندازه‌گیری می‌شوند.

در مقابل، شاخص‌های مرتبط با اصول جهانشمول بودن اینترنت به صورت اختصاصی طراحی شده‌اند و در مورد بسیاری از آن‌ها، در حال حاضر اندازه‌گیری‌های دوره‌ای و نظام‌مندی در سطح جهان انجام نمی‌شود. در سند یونسکو، توضیحات و پیشنهادهایی درباره منابع اطلاعاتی و شیوه تعیین وضعیت کشورها در قبال هر شاخص ذکر شده که در اینجا به آن‌ها نمی‌پردازیم. چنانچه تصمیم گرفته شود که همه یا برخی از این شاخص‌ها مطالعه و/یا اندازه‌گیری شوند، توضیحات و پیشنهادهای مذکور می‌توانند مفید باشند.

#### شاخص‌های حقوق بشر

شاخص‌های مربوط به حقوق بشر به ترتیب زیر در شش مضمون جای می‌گیرند.

الف: چهارچوب سیاستی، حقوقی و مقرراتی

- آیا چهارچوبی حقوقی برای بهره‌مندی از حقوق بشر و اعمال این حقوق وجود دارد که با توافقات، قوانین و استانداردهای بین‌المللی و نیز با حکومت قانون سازگاری داشته باشد؟

- آیا چهارچوبی حقوقی وجود دارد که این امر را بررسی کند که آیا حقوقی که افراد خارج از خط<sup>۱</sup> دارند، در حالت برخط<sup>۲</sup> نیز به صورت یکسان حفظ می‌شود؟
- آیا چهارچوبی حقوقی وجود دارد که از افراد در برابر نقض حقوقی که از استفاده یا سوءاستفاده از اینترنت ناشی می‌شود، محافظت کند؟

- آیا در صورتی که حقوق افراد به صورت برخط یا خارج از خط توسط کنشگران دولتی یا غیردولتی نقض شود، سازوکارهایی برای جبران خسارات وجود دارد؟

<sup>۱</sup> offline

<sup>۲</sup> online

- آیا قضاات و دیگر متخصصان حقوقی در زمینه مسائل مربوط به حقوق بشر و اینترنت آموزش دیده‌اند؟

ب: آزادی بیان

- آیا آزادی بیان در قانون تضمین شده است، و آیا در عمل و به طور گسترده رعایت می‌شود؟

- آیا محدودیت‌های آزادی بیان به صورت دقیق تعریف و شفاف تعریف شده‌اند و این محدودیت‌ها مطابق با توافق‌نامه‌ها، قوانین و استانداردهای بین‌المللی اجرا می‌شوند؟
- سانسور پیش و پس از انتشار در زمینه محتوای برخط تا چه اندازه اعمال می‌شود؟ مبنای اعمال سانسور چیست و شفافیت آن تا چه اندازه است؟

- قانون در چه شرایطی ارائه‌دهندگان خدمات برخط و مالکان شبکه‌های اجتماعی را مسئول محتوای منتشرشده یا محتوایی که کاربران به اشتراک می‌گذارند، می‌داند؟

- چه سهمی از مردم کشور محتوای برخط تولید می‌کنند؟
- آیا افراد، روزنامه‌نگاران و دیگر کنشگران در حوزه رسانه و اینترنت به دلیل انتشار محتواهای برخط در معرض بازداشت، تعقیب یا ارباب خودسرانه قرار می‌گیرند؟
- آیا افراد، روزنامه‌نگاران و دیگر کنشگران در حوزه رسانه و اینترنت برای پرهیز از آزار از جانب دولت یا دیگر کنشگران برخط به خودسانسوری دست می‌زنند؟

ج: حق دسترسی به اطلاعات

- آیا حق دسترسی به اطلاعات در قانون تضمین شده و در عمل رعایت می‌شود؟
- آیا دولت دسترسی اینترنت را به طور کلی یا دسترسی به برخی خدمات برخط یا وبسایت‌ها را فیلتر یا مسدود می‌کند؟ این اقدام بر چه مبنایی و با چه درجه‌ای شفافیت انجام می‌گیرد؟

- آیا گستره‌ای متنوع از منابع خبری و دیدگاه‌های واگرا درباره موضوعاتی که اهمیت جمعی دارند به صورت برخط در دسترس است؟

- آیا افراد، روزنامه‌نگاران و دیگر کنشگران در حوزه رسانه و اینترنت به دلیل انتشار محتواهای برخط در معرض بازداشت، تعقیب یا ارباب خودسرانه قرار می‌گیرند؟

د: آزادی تجمع و حق شرکت در امور عمومی

- آیا حق تجمع در قانون تضمین شده و در عمل رعایت می‌شود؟

- آیا سازمان‌های غیردولتی می‌توانند آزادانه به صورت برخط شکل بگیرند؟
  - آیا سیاست‌هایی دولتی در زمینه دولت الکترونیک و/یا مشارکت الکترونیک وجود دارد که مشارکت در فرایندهای دولتی و عمومی را تشویق کند؟
  - آیا وبسایت‌ها یا اپلیکشن‌های دولتی وجود دارند که افراد را قادر سازند به صورت برخط یا خارج از خط به نحوی ایمن در گستره‌ای از فعالیت‌های دولت الکترونیک مشارکت کنند؟
- ه: حق حریم شخصی
- آیا حق حریم شخصی در قانون تضمین شده و در عمل رعایت می‌شود؟
  - آیا محافظت از داده‌های شخصی در برابر دولت، کسب‌وکارها و دیگر سازمان‌ها در قانون تضمین شده و در عمل رعایت می‌شود؟
  - آیا قدرت نهادهای اعمال‌کننده قوانین برای مداخله قانونی در داده‌های کاربران متناسب و محدود به شرایطی است که با توافق‌نامه‌ها، قوانین و استانداردهای بین‌المللی سازگار باشد؟
  - آیا الزامات مربوط به تعیین هویت و ثبت نام از جمله برای ثبت نام خطوط تلفن و استفاده از اینترنت متناسب و محدود به شرایطی است که با توافق‌نامه‌ها، قوانین و استانداردهای بین‌المللی سازگار باشد؟
  - آیا امکان رمزنگاری داده‌ها و حریم شخصی افراد در محیط‌های آنلاین در قانون و در عمل به نحوی که با توافق‌نامه‌ها، قوانین و استانداردهای بین‌المللی سازگار باشد، رعایت می‌شود؟
  - آیا افراد حق قانونی دارند تا هویت خود را در محیط‌های آنلاین حفظ کنند و اطلاعات مربوط به خود را مدیریت یا تصحیح کنند به نحوی که حقوق آن‌ها در زمینه حریم شخصی مطابق با بند ۱۷ پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) حفظ شود؟
  - آیا الزامات دولت برای ارائه اطلاعات کاربران کسب‌وکارهای اینترنتی به نهادهای دولتی متناسب و محدود به شرایطی است که با توافق‌نامه‌ها، قوانین و استانداردهای بین‌المللی سازگار باشد؟

- آیا ملزومات مربوط به مکان و دوره نگهداری داده‌ها با استانداردهای بین‌المللی حفاظت از داده‌ها و ملزومات مشروع اعمال قوانین سازگاری دارد؟  
و: حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی
- آیا در راهبردهای دولت در زمینه اشتغال، بهداشت و آموزش سیاست‌هایی در خصوص اینترنت، مطابق با پیمان بین‌المللی حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی (ICESCR) وجود دارد؟
- آیا تمامی شهروندان و دیگر افراد به نحوی برابر قادرند از اینترنت برای مشارکت در فعالیتهای فرهنگی بهره گیرند؟

#### شاخص‌های باز بودن

الف: چهارچوب سیاستی، حقوقی و مقرراتی

- آیا چهارچوب سیاستی، حقوقی و مقرراتی جامعی برای توسعه اینترنت و سیاستگذاری درباره آن وجود دارد که با هنجارهای بین‌المللی درباره باز بودن و شفافیت سازگار باشد؟
- آیا چهارچوب حقوقی و مقرراتی برای کسب‌وکارها، دانشگاه‌ها و جامعه مدنی، نوآوری در اینترنت را تسهیل می‌کنند؟
- آیا محدودیت‌هایی در این خصوص که کدام سازمان‌ها یا افراد می‌توانند خدمات اینترنتی یا مبتنی بر اینترنت ارائه دهند، وجود دارد؟

ب: استانداردهای باز

- چهارچوب حقوقی و مقرراتی کشور سرمایه‌گذاری و نوآوری با استفاده از فناوری‌های موجود را به چه انحائی تشویق یا محدود می‌سازد؟
- آیا استانداردهای ملی که فرایندها را مشخص می‌کنند با استانداردهای بین‌المللی در خصوص فرایندهای شایسته و شفافیت مطابقت دارند؟
- آیا دولت از تنوع در امکان‌های مجوزدهی مالکیت فکری از جمله در مورد نرم‌افزهای آزاد و متن باز پشتیبانی می‌کند؟
- آیا دولت استانداردهایی را که دسترسی به اینترنت و خدمات دولت الکترونیک برای افراد ناتوان و معلول تسهیل کند، پشتیبانی می‌کند؟

- تحولات در زمینه پروتکل‌ها و استانداردهایی که در زمینه اینترنت در کشور به اجرا در می‌آیند، تا چه اندازه شدید است؟
- ج: بازارهای باز
- آیا مقررات مستقلی برای بازارهای ارتباطاتی وجود دارد که با هنجارها و استانداردهای بین‌المللی مطابقت داشته باشد؟
- آیا مجوزدهی و تخصیص منابع کلیدی شفاف، انعطاف‌پذیر، بی‌طرفانه و غیر تبعیض‌آمیز انجام می‌شود؟
- آیا مدیریت مستقلی در خصوص نظام نام دامنه وجود دارد؟
- آیا در زمینه شبکه‌های ارتباطاتی، رقابتی به اندازه کافی موثر وجود دارد تا منافع مصرف‌کنندگان حفظ شود؟
- آیا کاربران اینترنت از قدرت انتخاب کافی در خصوص خدمات‌دهندگان اینترنتی، برای مثال برای ثبت نام دامنه، ISPها و خدمات برخط، برخوردارند؟
- آیا گروه‌های اجتماعی قادرند شبکه‌های خاص خود را داشته باشند تا به اینترنت دسترسی پیدا کنند؟
- آیا نقاط تبادل اینترنتی (IXPها) و دیگر ترتیبات برای تبادل ترافیک اینترنتی و فراهم کردن دسترسی کارآمد وجود دارد؟
- د: محتوای باز
- آیا دولت در سیاست‌های خود در زمینه آموزش، فرهنگ و علوم، دسترسی به دانش و محتوای باز را تشویق می‌کند؟
- آیا ترتیبات مربوط به حفاظت از مالکیت فکری میان منافع دارندگان حق تألیف و منافع کاربران اطلاعات به نحوی توازن برقرار می‌کند که نوآوری و خلاقیت تشویق شود؟
- آیا دولت به اشتراک‌گذاران اطلاعات مربوط به عموم و اطلاعاتی را که با منابع مالی عمومی فراهم شده‌اند، تسهیل می‌کند و دسترسی به آن‌ها را فراهم می‌آورد؟
- آیا دولت استفاده از منابع آموزشی باز را تشویق می‌کند و دسترسی باز به منابع دانشگاهی و علمی را تسهیل می‌کند؟

• آیا دولت ISPها را ملزم می‌کند که ترافیک شبکه را به نحوی شفاف، بی‌طرفانه، بدون سوگیری و بدون تبعیض علیه انواع خاصی از محتواها یا برخی منابع خاص کنترل کنند؟

• آیا دولت به افراد اجازه می‌دهد که محتوا را از طریق پروتکل‌ها و ابزارهایی که خودشان انتخاب می‌کنند از جمله از طریق VPNها منتشر کنند یا به آنها دسترسی یابند؟

ه: داده‌های باز و حکمرانی باز

• آیا قانونی در مورد لزوم دسترسی به اطلاعات مربوط به عموم و اطلاعاتی که با استفاده از منابع عمومی فراهم شده‌اند، وجود دارد و آیا این قانون اجرا می‌شود؟

• آیا نهادهای دولتی وبسایت‌هایی به تمامی زبان‌های رسمی و آیا این وبسایت‌ها از طریق مرورگرهای اصلی در دسترس‌اند؟

• آیا دولت و دیگر ذی‌ربطان بخش عمومی دسترسی برخط آسان را به مجموعه داده‌های عمومی بی‌نام شده، از جمله امکان خوانش ماشینی داده‌ها، را فراهم می‌آورند؟

• آیا افراد و سازمان‌ها از داده‌هایی که به صورت عمومی در دسترس قرار گرفته‌اند بهره می‌گیرند و آنها را به اشتراک می‌گذارند؟

• آیا ذی‌ربطان از داده‌های باز به نحوی که تأثیری مثبت بر توسعه پایدار داشته باشد، استفاده می‌کنند؟

#### شاخص‌های دسترسی همگانی

الف: چهارچوب سیاستی، حقوقی و مقرراتی

• آیا اداره ملی آمار یا نهادهای مرتبط دیگر اطلاعات آماری درباره دسترسی و استفاده از اینترنت را به صورت منظم و به نحوی نظام‌مند گردآوری می‌کنند؟

• آیا قوانین یا مقرراتی درباره دسترسی اینترنت و خدمات برخط وجود دارد؟

• آیا نهادی در حوزه قانون یا مقررات در پی دسترسی عمومی به ارتباطات و

اینترنت هست؟

• آیا دولت سیاست و برنامه‌هایی برای دسترسی عمومی قابل اعتماد و کم هزینه

به باند پهن دارد و این سیاست‌ها و برنامه‌ها به نحوی کارا به اجرا در می‌آیند؟

- آیا امکانات دسترسی عمومی برای افرادی که نمی‌توانند دسترسی فردی به اینترنت داشته باشند، وجود دارد؟
- ب: اتصال‌پذیری و استفاده
- چه سهمی از جمعیت با چه تناوبی از اینترنت استفاده می‌کنند؟ آیا این سهم در حال افزایش است؟
- آیا شبکه‌های باند پهن در تمامی نقاط کشور در دسترس‌اند؟
- چه سهمی از جمعیت از خدمات مخابراتی و باند پهن استفاده می‌کنند؟ آیا این سهم در حال افزایش است؟
- چه موانعی پیش روی کاربران اینترنت و سایر افراد در زمینه دسترسی وجود دارد؟
- حجم ترافیک اینترنت درون کشور در مقایسه با رشد ترافیک جهانی با چه نرخ‌ی رشد می‌کند؟
- آیا خدمات برخط با قیمت مناسب در دسترس‌اند که افراد و سازمان‌های جامعه مدنی را قادر سازند از اینترنت برای دست یافتن به محتوا و خدمات بهره‌گیرند و همچنین، دیدگاه‌های خود را بیان کنند؟
- ج: قدرت خرید
- آیا تمامی بخش‌های جامعه قدرت خرید گوشی‌های تلفن همراه با قابلیت اتصال به اینترنت را دارند؟
- آیا تمامی بخش‌های جامعه قدرت خرید برای دسترسی و استفاده از باند پهن را دارند؟
- آیا ترتیباتی برای دسترسی و خدمات‌رسانی عمومی در نظر گرفته شده تا هزینه‌های دسترسی و استفاده را برای فقرا و گروه‌های حاشیه‌ای فراهم آورد؟
- د: دسترسی برابر
- آیا تفاوت‌های معناداری میان مناطق مختلف کشور و میان مناطق شهری و روستایی از حیث دسترسی و استفاده از باند پهن وجود دارد؟
- آیا تفاوت‌های معناداری میان قومیت‌ها از حیث دسترسی و استفاده از باند پهن وجود دارد؟



• آیا دولت در مورد ادراک و استفاده گروه‌های مختلف جامعه و سازمان‌های نماینده آن‌ها از اینترنت پیمایشی انجام می‌دهد یا با این گروه‌ها گفتگو و مشورت می‌کند؟

• آیا شکاف دیجیتالی جنسیتی در زمینه دسترسی و استفاده از اینترنت وجود دارد و اگر چنین است، آیا این شکاف جنسیتی در حال افزایش است، پایدار مانده یا در حال کاهش است؟ (این شاخص در بخش شاخص‌های ترکیبی نیز مورد توجه قرار می‌گیرد.)

• آیا بزرگسالان در تمامی گروه‌های سنی به یکسان از اینترنت استفاده می‌کنند؟

• آیا افراد ناتوان و معلول قادرند استفاده کارآمدی از اینترنت داشته باشند؟

ه: محتوا و زبان‌های محلی

• چه تعداد دامنه و سرور درون کشور فعال هستند؟

• آیا حجمی قابل توجه و فزاینده از محتوا درباره کشور از جمله محتوایی که به

صورت محلی تولید شده باشد، به صورت برخط در دسترس است؟

• آیا دامنه‌ها و خدمات برخطی که افراد را قادر سازند به متونی به زبان‌های محلی

دسترسی یابند و از آن‌ها استفاده کنند، وجود دارد؟

• آیا حجمی قابل توجه و فزاینده از محتوای اینترنتی به زبان‌های محلی از جمله

محتوایی که به شکل محلی تولید شده باشد، وجود دارد؟

و: ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها

• آیا برنامه‌های درسی مدارس بخش‌هایی را درباره فناوری اطلاعات و ارتباطات

و سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی در بردارند که بر استفاده کارآمد و ایمن متمرکز باشند و آیا

این برنامه‌های درسی در عمل به کار گرفته می‌شوند؟

• آیا دولت یا دیگر ذی‌ربطان برنامه‌های سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی را برای

بزرگسالان برگزار می‌کنند و اگر چنین است، این کار تا چه اندازه انجام می‌شود؟

• چه سهمی از جامعه و نیروی کار واجد مهارت استفاده از فناوری‌های اطلاعات

و ارتباطات هستند؟

## شاخص‌های مشارکت چندذی‌ربطی

الف: چهارچوب سیاستی، حقوقی و مقرراتی

- آیا چهارچوب سیاستی، حقوقی و مقرراتی جامعی برای توسعه و سیاستگذاری در حوزه اینترنت وجود دارد که با هنجارهای بین‌المللی سازگار باشد؟
- آیا دولت مشارکت عمومی در فرایندهای سیاستی ملی را تشویق می‌کند؟
- آیا دولت به شهروندان و گروه‌های ذی‌ربط پاسخگوست؟

ب: حکمرانی ملی اینترنت

- آیا انجمن‌های فعالی از متخصصان، مصرف‌کنندگان و دیگر گروه‌های ذی‌ربط وجود دارد که بر مسائل مربوط به سیاستگذاری و حکمرانی اینترنت متمرکز یا در آن‌ها درگیر باشد؟

- آیا دولت به نحوی فعالانه دیگر گروه‌های ذی‌ربط را در تدوین سیاست‌ها و قوانین ملی اینترنت درگیر می‌کند؟

- آیا مجمعی از ذی‌ربطان در زمینه حکمرانی ملی اینترنت وجود دارد که به روی تمامی ذی‌ربطان باز باشد و گروه‌های ذی‌ربط گوناگون در آن مشارکت فعال داشته باشند؟

- آیا نظام ثبت نام دامنه ملی تمامی ذی‌ربطان را در فرایندهای تصمیم‌گیری خود درگیر می‌کند؟

ج: حکمرانی منطقه‌ای و بین‌المللی

- آیا دولت دیگر گروه‌های ذی‌ربط را به شکلی فعالانه در تدوین سیاست‌ها در خصوص حکمرانی بین‌المللی اینترنت درگیر می‌کند؟

- آیا دولت و دیگر ذی‌ربطان به نحوی فعالانه در مجامع بین‌المللی در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات و اینترنت مشارکت می‌کنند؟

- آیا دولت و دیگر ذی‌ربطان به نحوی فعالانه در آیکان مشارکت می‌کنند؟

## شاخص‌های ترکیبی

الف: جنیست

- آیا علائق/منافع و نیازهای زنان و دختران به صراحت در راهبردها و سیاست‌های ملی توسعه اینترنت مورد توجه قرار گرفته است و آیا این علائق/منافع و نیازها به نحوی کارآمد رصد می‌شوند؟
- آیا شکاف دیجیتالی جنسیتی در زمینه دسترسی و استفاده از اینترنت وجود دارد و اگر چنین است، آیا این شکاف جنسیتی در حال افزایش است، پایدار مانده یا در حال کاهش است؟
- آیا موانعی فرهنگی یا اجتماعی در زمینه دسترسی و استفاده از اینترنت بر توانایی زنان در این زمینه تأثیر می‌گذارد؟
- آیا زنان و مردان به یک اندازه در استفاده از خدمات برخط مشارکت می‌کنند؟
- آیا قوانین، شیوه‌های اجرای قوانین و فرایندهای قضایی از زنان و دختران در برابر آزار و خشونت جنسیتی برخط حمایت می‌کنند؟
- آیا سهم زنان در آموزش، اشتغال و رهبری اینترنت قابل توجه و فزاینده است؟
- آیا اطلاعات دقیقی درباره بهداشت جنسی و تولید مثل به صورت آزادانه در اینترنت در دسترس قرار دارد؟

ب: کودکان و نوجوانان

- آیا دولت در مورد ادراک و استفاده کودکان و نوجوانان از اینترنت پیمایشی انجام می‌دهد و آیا با کودکان و/یا والدین آن‌ها و سازمان‌های فعال در زمینه کودکان گفتگو و مشورت می‌کند؟
- چه سهمی از کودکان و نوجوانان ۵ تا ۱۸ ساله از اینترنت استفاده می‌کنند؟
- کودکان و نوجوانان اینترنت را چگونه ادراک می‌کنند و چگونه از آن استفاده می‌کنند؟
- آیا چهارچوبی سیاستی و قانونی برای پیشبرد و حفاظت از علائق/منافع کودکان و نوجوانان در اینترنت وجود دارد و آیا این چهارچوب به نحوی کارآمد به اجرا در می‌آید؟
- آیا مدارس به اینترنت و باند پهن دسترسی دارند؟

- آیا دولت و نهادهای آموزشی از ابعاد دیجیتال سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی در زمینه استفاده کارا و ایمن کودکان و نوجوانان از اینترنت حمایت می‌کنند؟
- ج: توسعه پایدار
- آیا سیاست‌ها و راهبردهای توسعه ملی و بخشی برای توسعه پایدار به نحوی کارآمد حوزه‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات، باند پهن و اینترنت را در بر می‌گیرند؟
- آیا دولت سیاستی مورد وفاق درباره مدیریت پسماندهای الکترونیک دارد و این سیاست به نحوی کارآمد به اجرا در می‌آید؟
- آیا ترتیبات کارآمد برای رصد و ارزیابی توسعه اینترنت و تأثیرات آن بر جامعه وجود دارد؟
- آیا دولت راهبردی بلندمدت برای پرداختن به تحولات جدید در حوزه فناوری اطلاعات دارد و آیا این تحولات را با مشارکت ذی‌ربطان در توسعه آتی اینترنت مورد توجه قرار می‌دهد؟
- چه سهمی از بزرگسالان از خدمات اینترنتی اصلی استفاده می‌کنند؟
- چه سهمی از نهادهای خدمات عمومی به اینترنت دسترسی دارند؟
- چه سهمی از کسب‌وکارها، از اینترنت و تجارت الکترونیک استفاده می‌کنند؟

## ۲-۱-۳- تحلیل

از میان چهار اصل جهانشمول بودن اینترنت، اصل‌های مبتنی بودن بر حقوق بشر، دسترسی همگانی و باز بودن قیودی بنیادین را برای حکمرانی اینترنت در هر کشور و در سطح بین‌المللی مشخص می‌کنند. شاخص‌هایی که در راستای هر یک از این اصول مطرح شده‌اند، نحوه انطباق فعالیت‌های کشور در حوزه اینترنت با اصول مذکور را در سطحی عملیاتی مشخص می‌کنند. ذیل این شاخص‌ها، به معاهدات و پیمان‌های بین‌المللی مختلفی همچون اعلامیه حقوق بشر، پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) و پیمان بین‌المللی حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی (ICESCR) اشاره شده است. لازم است که تعهد یا عدم تعهد کشور به این معاهدات و پیمان‌ها بررسی شود و در صورت تعهد رسمی کشور به آن‌ها، شاخص‌ها به صورت تفصیلی مورد ارزیابی قرار گیرند. همچنانکه ذکر شد، توضیحات و توصیه‌هایی درباره منابع و شیوه‌های مناسب

برای تعیین وضعیت کشور در مورد هر یک از شاخص‌ها در متن سند آمده است که می‌تواند مورد رجوع قرار گیرد یا در صورت لزوم به گزارش افزوده شود.

در کنار سه اصل مذکور، می‌توان گفت که اصل چهارم یعنی حکمرانی چندذی‌ربطی عمیق‌ترین الهام را برای حکمرانی فضای مجازی در ایران به همراه دارد؛ خصوصاً با توجه به اینکه سطح به رسمیت شناختن ذی‌ربطان و جلب مشارکت آن‌ها در مرحله تدوین، اجرا و ارزیابی سیاست‌ها در ایران پایین است. این رویکرد می‌تواند چهارچوبی را برای اقدامات آتی در زمینه تدوین سیاست‌ها، طراحی قواعد و قوانین، تدوین آیین‌نامه‌ها، ارزیابی اقدامات و سایر گام‌ها در حکمرانی فضای مجازی شکل دهد و حتی می‌تواند به یک تجربه موفق بدل گردد که بتوان از آن برای حکمرانی در سایر بخش‌های کشور بهره گرفت.

پیشنهاد می‌شود که شاخص‌های این سند به طور کامل مرور و به بحث گذارده شوند. بسیاری از این شاخص‌ها را می‌توان در مدل حکمرانی ملی مد نظر قرار داد. و همچنین، برخی از آن‌ها قیودی را برای فعالیت‌های کشور مطرح می‌کنند که باید در خصوص نحوه مواجهه با آن‌ها تصمیم‌گیری شود.

## ۲-۲- گزارش تحول دیجیتال در صنایع: تأثیرات اجتماعی

### ۲-۲-۱- پیشینه

مجمع جهانی اقتصاد در سال ۲۰۱۵ پروژه‌ای را تحت عنوان تحول دیجیتال صنایع آغاز کرد. این پروژه فرصت‌ها و مضامینی را که در پی تحولات و روندهای اخیر در خصوص دیجیتالی شدن کسب‌وکارها و جامعه پدید آمده‌اند، مطالعه می‌کند. خصوصاً، بررسی برنامه‌های پیشگامی شرکت‌ها و کشورها در حوزه بهره‌گیری از فناوری‌های دیجیتال و ارائه توصیه‌هایی به کسب‌وکارها و دولت‌ها در این زمینه از اهداف پروژه مذکور بوده است.

طی انجام این پروژه، گزارش‌های مختلفی منتشر شده است. بیشتر این گزارش‌ها رویکردی اقتصادی و کسب‌وکاری دارند. از این میان، یک گزارش تحلیلی به تأثیرات اجتماعی تحول دیجیتال صنایع (WEF, 2016) اختصاص یافته که در این بخش به مرور و بررسی آن می‌پردازیم. گزارش دیگری که از نظر روش‌شناختی مکمل گزارش مذکور است با عنوان «آزاد

کردن ارزش دیجیتال برای جامعه: چهارچوب جدیدی برای رشد» (WEF, 2017) در سال ۲۰۱۷ منتشر شده که به هنگام مرور گزارش مربوط به تأثیرات اجتماعی به آن خواهیم پرداخت.

## ۲-۲-۲- مرور سند

پروژه تحول دیجیتال صنایع ماهیتاً مطالعه‌ای اقتصادی است و به تأثیرات روند دیجیتالی شدن بر صنایع و کسب‌وکارها بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۵ می‌پردازد. صنایعی همچون نفت و گاز، هوانوردی، مخابرات، برق، تأمین کالاهای مصرفی در مجموعه مطالعاتی که در این پروژه انجام شده مد نظر قرار گرفته‌اند. همچنانکه ذکر شد، بخشی از این پروژه به تأثیرات اجتماعی دیجیتالی شدن صنایع می‌پردازد. پرسش کلیدی در این بخش از مطالعه این است که «تحول دیجیتال صنایع چگونه می‌تواند مساهمت مثبتی در جامعه داشته باشد؟» سه حوزه اصلی تأثیر مورد بررسی قرار گرفته‌اند:

۱. تأثیرات بر بازار کار: دیجیتالی شدن مشاغل جدیدی را در حوزه علم داده، تحلیل داده‌ها، ایجاد و مدیریت واسط‌های کاربری و هوش مصنوعی پدید می‌آورد. اما در عین حال، خودکارسازی و هوش مصنوعی تعداد زیادی از مشاغل مرسوم را از بین خواهد برد یا اینکه شیوه انجام آن را تغییر خواهد داد. بدین ترتیب، تخمین اثر خالص دیجیتالی شدن بر مشاغل در صنایع مختلف یک پرسش بااهمیت است. در این گزارش، تخمین زده شده که اثر خالص دیجیتالی شدن در دهه ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۵ مجموع مثبت خواهد بود و حدود ۲٫۱ میلیون شغل ایجاد خواهد شد. با این حال، این اثر خالص در همه صنایع یکسان و الزاماً مثبت نیست.

۲. گذار به توسعه پایدار: دیجیتالی شدن می‌تواند از طریق بهبود فرایندهای تولید انرژی و همچنین تأثیر گذاشتن بر مصرف انرژی اثر مثبتی بر کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای داشته باشد. در مقابل، مراکز داده الکترونیسته قابل ملاحظه‌ای (در حدود ۲ درصد کل برق مصرفی جهان) مصرف می‌کنند. طبق تخمین ذکرشده در این گزارش، اثر خالص پیشگامی‌های دیجیتال در صنایع بررسی شده به عدم انتشار حدود ۲۶ میلیارد تن دی‌اکسید کربن در بازه زمانی مطالعه منجر شود. در سال ۲۰۲۵، پرهیز از انتشار این گاز می‌تواند به حدود ۸٫۵ درصد برسد. از سوی دیگر، پسماندهای الکترونیک به

سرعت در حال افزایش‌اند و بخش محدودی از آن‌ها بازیافت می‌شود. باید برنامه‌هایی برای بازیافت پسماندهای الکترونیک طراحی شود.

۳. اعتمادسازی در اقتصاد الکترونیک: اگرچه فناوری‌هایی مانند RFID و ساختارهای نظردهی کاربران درباره محصولات می‌تواند به افزایش شفافیت در صنایع و غلبه بر عدم تقارن اطلاعاتی کمک کند، اما بررسی‌های انجام شده در سال ۲۰۱۵ حاکی از آن است که سطح اعتماد به صنایع مبتنی بر فناوری به دلیل نگرانی‌ها در زمینه حریم شخصی و امنیت کاهش یافته است. این گزارش تدوین‌کننده‌های اخلاقی و رفتاری در مورد فناوری‌های جدید و انجام اقداماتی برای افزایش سطح اعتماد کاربران و مشتریان را در موفقیت تحول دیجیتال صنایع کلیدی می‌داند.

#### ارزش برای صنعت و ارزش برای جامعه

نویسندگان گزارش برای تحلیل بهتر تأثیرات اجتماعی تحول دیجیتال، دو مفهوم ارزش برای صنعت و ارزش برای جامعه را مطرح می‌کند. این دو مفهوم در گزارش «آزاد کردن ارزش دیجیتال برای جامعه: چهارچوب جدیدی برای رشد» که در سال ۲۰۱۷ منتشر شده بیشتر بسط پیدا کرده‌اند. ایده محوری در خصوص این دو مفهوم این است که استفاده از یک فناوری دیجیتال جدید یا ایجاد تحول در یک زنجیره ارزش سنتی به کمک فناوری‌های دیجیتال دو نوع ارزش را به ترتیب برای صنعت و برای جامعه ایجاد می‌کند. میزان ارزش ایجادشده برای هر یک از این دو می‌تواند کاملاً متفاوت باشد و همین امر مبنایی برای تحلیل روابط میان صنایع و جامعه در اثر تحول دیجیتال خواهد بود.

ارزش برای صنعت به دو شیوه اصلی پدید می‌آید:

الف: صنعت با استفاده از فناوری‌های جدید، محصولات یا خدمات جدیدی را تولید می‌کند و در نتیجه، ارزش افزوده خلق می‌کند. این شیوه افزودن ارزش نامیده می‌شود.

ب: صنعت با استفاده از فناوری‌های جدید، شیوه‌های کاری خود را تغییر می‌دهد و در نتیجه ارزش خلق شده درون صنعت جابجا می‌شود. این شیوه مهاجرت ارزش نامیده می‌شود. نمونه‌هایی از این امر، کاهش هزینه‌های تولید یا جابجایی در مشاغل درون صنعت هستند.

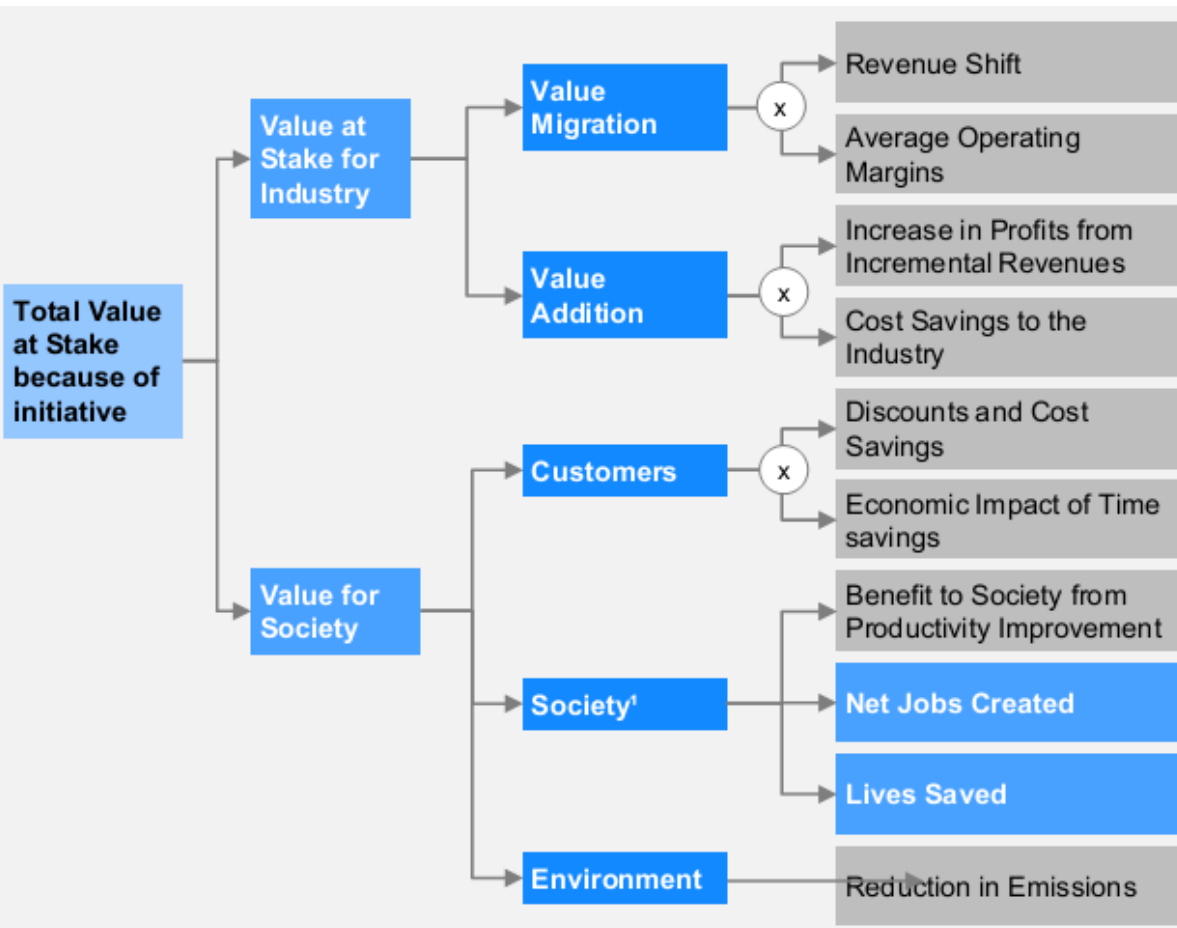
ارزش برای جامعه به سه شیوه اصلی حاصل می‌شود:

الف: مشتریان می‌توانند کالاها یا خدمات را با قیمت پایین‌تری خریداری کنند. همین‌طور، هزینه‌های ناشی از صرف زمان برای تهیه کالا و خدمات کاهش پیدا می‌کند.

ب: جامعه از تأثیرات غیرمستقیم شیوه‌های جدید ارائه کالاها و خدمات بهره‌مند می‌شود. برای مثال، ترافیک شهری یا نرخ تصادفات پیدا می‌کند. همچنین، مشاغل جدیدی شکل می‌گیرند و در مورد برخی از خدمات جدید خصوصاً در حوزه حمل و نقل، جان افراد حفظ می‌شود.

ج: شیوه‌های جدید تولید و ارائه کالاها و خدمات به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای منجر می‌شود و اثرات این امر از حیث اقتصادی محاسبه می‌شود.

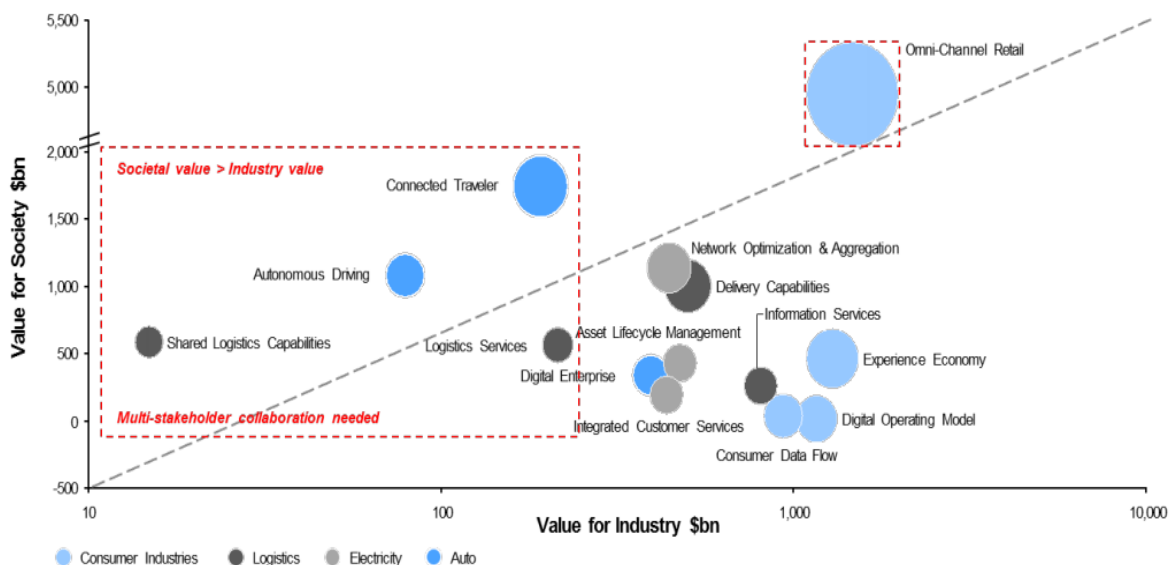
شکل زیر شیوه‌های ارزش‌آفرینی برای صنعت و جامعه را نشان می‌دهد:



شکل ۲: مدل‌سازی ارزش‌آفرینی برنامه‌های پیشگاهی در حوزه تحول دیجیتال صنایع (WEF, 2016, 13)



نویسندگان گزارش میزان ارزش ایجادشده برای جامعه و صنعت را برای صنایع مصرفی، تولید و توزیع برق، تأمین کالاها و خدمات و خودرو تخمین زده‌اند. نتایج را می‌توان در یک نمودار دوعبدهی به ترتیب زیر نمایش داد:



شکل ۳: تخمین ارزش ایجادشده برای جامعه و صنعت در چهار صنعت منتخب برای بازه ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۵ (WEF, 2016, 10)

با توجه به مفهوم‌پردازی انجام شده و نمودار بالا، می‌توان سه وضعیت را در مورد نسبت ارزش ایجادشده برای جامعه و صنعت در یک بخش یا زیربخش صنعت تشخیص داد:

الف: ارزش ایجادشده برای صنعت بسیار بیشتر از ارزش ایجادشده برای جامعه است (بخش راست و پایین در نمودار شکل ۲). در این حالت، سود حاصله از ارزش افزوده یا مهاجرت ارزش برای صنعت قابل ملاحظه است و صنایع به صورت خودکار به حرکت به سوی استفاده از فناوری‌های دیجیتال تمایل نشان می‌دهند. در این حالت، جامعه نیز از اثرات ناشی از به کارگیری فناوری‌ها و فرایندهای جدیدی بهره‌مند می‌شود.

ب: ارزش ایجادشده برای صنعت تقریباً با ارزش ایجادشده برای جامعه برابر است (قطر ترسیم شده در نمودار و مناطق اطراف آن). در این حالت نیز ارزش ایجادشده برای صنعت می‌تواند انگیزه مناسبی برای توسعه فعالیت‌ها در صنایع باشد. در عین حال، چنانچه این تعادل نسبی در

اثر حساسیت به قیمت مواد اولیه، بازار کار یا بازار مصرف دچار تغییر شود، وضعیت به سمت حالت الف یا حالت ج که در ادامه توضیح داده می‌شود، سوق خواهد یافت.

ج: ارزش ایجادشده برای صنعت بسیار کمتر از ارزش ایجادشده برای جامعه است (بخش چپ و بالا در نمودار). در این حالت، صنعت انگیزه اقتصادی برای به کارگیری فناوری نخواهد داشت در عین حال که جامعه تمایل دارد از منافع حاصل از به کارگیری فناوری بهره‌مند شود. در چنین مواردی، چنانچه صنعت تنها عامل اصلی تصمیم‌گیری باشد، ترجیح می‌دهد که دست به اقدامی نزند و در نتیجه، جامعه از ارزش مربوطه محروم خواهد شد. در اینجاست که دولت‌ها در مقام سیاستگذار باید اقداماتی را مانند تعریف مشوق برای ترغیب صنعت به فعالیت طراحی و اجرا کنند. همچنین، مدل حکمرانی چند ذی‌ربطی در این موارد اهمیت بیشتری پیدا می‌کند چراکه منافع ذی‌ربطان مختلف با یکدیگر هم‌راستا نیست و باید از طریق گفتگو و مشارکت، راه‌حلهایی اختصاصی طراحی گردد. در متن گزارش و همچنین در شکل ۲، به لزوم همکاری‌های چند ذی‌ربطی در این خصوص اشاره شده است.

یک مثال می‌تواند وضعیت‌های مذکور را توصیف کند. یکی از فناوری‌های مهم در تحول دیجیتال اینترنت پهن‌بند است. دسترسی به اینترنت پهن‌بند برای جامعه به اشکال مختلفی ارزش‌آفرینی می‌کند و جوامع چه در شهرهای بزرگ، چه در شهرهای کوچک و چه در مناطق روستایی با تراکم جمعیتی پایین به داشتن دسترسی به این زیرساخت تمایل دارند. شرکت‌های مخابراتی که توان ایجاد زیرساخت اینترنت پهن‌بند را دارا هستند، ارزش اقتصادی حاصل از ارائه این خدمت را با هزینه مربوط به فراهم کردن این زیرساخت مقایسه می‌کنند. در شهرهای پرجمعیت و متوسط، احتمالاً ارزش ایجادشده برای صنعت بیش از ارزش ایجادشده برای جامعه یا تقریباً برابر با آن خواهد بود و چنین پروژه‌ای در قسمت پایین و راست نمودار یا نزدیک به قطر میانی قرار خواهد گرفت. بدین ترتیب، صنایع مخابراتی بر مبنای تحلیل هزینه-فایده به طور خودکار نسبت به این اقدام تمایل نشان می‌دهند. اما در مناطق روستایی و دورافتاده هزینه ایجاد زیرساخت افزایش پیدا می‌کند در حالی که ارزش حاصل از ایجاد آن کاهش می‌یابد. در نتیجه، صنایع مخابراتی ایجاد دسترسی به اینترنت پهن‌بند را در این مناطق به صرف نمی‌دانند. در چنین موقعیتی، دولت می‌تواند با اقدامات سیاستی و تنظیمی منافع صنعت و جامعه را هم‌راستا کند. برای مثال، ممکن است دولت مشوقی برای صنایع مخابراتی قائل شود و بخشی از هزینه‌های توسعه زیرساخت اینترنت در مناطق دورافتاده را به عهده بگیرد یا آنکه رساندن اینترنت به یک

شهر بزرگ را همراه با رساندن اینترنت به مجموعه‌ای از روستاهای اطراف شهر به صورت یک عملیات مشترک تعریف کند تا سود قابل ملاحظه توسعه اینترنت پهن‌بند در شهر بزرگ ضرر حاصل از توسعه اینترنت در مناطق اطراف را بپوشاند.

پرسش‌های پیش روی مدیران کسب‌وکارها و سیاستگذاران/تنظیم‌گران

نویسندگان با تکیه بر مفهوم‌پردازی مذکور، دو مجموعه از پرسش‌ها را به ترتیب برای مدیران کسب‌وکارها و برای سیاستگذاران/تنظیم‌گران مطرح می‌کنند. این پرسش‌ها باید هنگام بررسی هر برنامه‌ای برای بهره‌گیری از فناوری‌های دیجیتال مد نظر قرار گیرند.

پرسش‌های پیش روی مدیران کسب‌وکارها:

۱. درک ارزش‌ها

- آیا قادرید تأثیرات اجتماعی-اقتصادی برنامه دیجیتال آتی خود را اندازه‌گیری و دنبال کنید؟ آیا مباحث اجتماعی را در ارزیابی برنامه خود از حیث مدل کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری در نظر گرفته‌اید؟

- آیا چالش‌های اجتماعی پیش روی سرمایه‌گذاری خود در زمینه فناوری دیجیتال را می‌شناسید؟ و آیا سنجه‌ها یا شاخص‌های اجتماعی را که این سرمایه‌گذاری تأثیر مثبت یا منفی بر آن‌ها خواهد گذاشت، مطالعه کرده‌اید؟ برای مثال، پیشگامی دیجیتال شما چگونه در اهداف توسعه پایدار سازمان ملل سهیم خواهد شد؟

۲. یافتن اشکال جدیدی از ارزش آتی

- چگونه می‌تواند پیشگامی‌هایی را توسعه دهید که بتوانند ارزش قابل ملاحظه‌ای را در آینده هم برای کسب‌وکارتان و هم برای جامعه پدید آورند؟ آیا راهی برای ارزیابی این امر دارید که پیشگامی‌هایی را بسازید یا خریداری کنید که سطح بالایی از ارزش را برای جامعه خلق کنند؟

- آیا بخشی از شرکت خود را برای تدوین پیشگامی‌هایی برای رشد در سال‌های آتی اختصاص داده‌اید؟

۳. ایجاد رشد از طریق هماهنگی در اکوسیستم

- آیا بخش روابط عمومی یا بخش مسئولیت اجتماعی شرکت هم‌راستا با بخش طراحی راهبردی شرکت عمل می‌کند تا دیدگاه‌های ذی‌ربطان و مشارکت آن‌ها به عنوان

پیشرانی برای رشد شرکت به کار آید؟ آیا این بخش‌ها از طریق تعاملات ذی‌ربطان به ارزش آفرینی برای شرکت کمک می‌کنند؟

- چگونه اقدامات ذی‌ربطان کلیدی و مساهمت آن‌ها را برای آنکه پیشگامی مورد نظر شما هم از نظر بازاری و هم از نظر تأثیرت اجتماعی به نتیجه برسد، شناسایی می‌کنید؟ تا چه اندازه تصویری به روز و واقعی از روابط موجود در اکوسیستم کسب‌وکار خود دارید؟

پرسش‌های پیش روی مدیران:

#### ۱. بررسی محیط

- آیا پیشگامی‌های دیجیتال صنایع را که می‌توانند ارزش قابل ملاحظه‌ای (برای مثال، از حیث رشد اقتصادی، ایجاد شغل یا نوآوری) برای جامعه داشته باشند، به نحوی فعالانه رصد می‌کنید؟ آیا با صنعت درباره طراحی و ایجاد شرایطی که توانمندی‌های آن‌ها را در این خصوص افزایش دهد، همکاری می‌کنید؟

- چگونه می‌توانید تعادلی را میان پرهیز از انتخاب پیشاپیش برندگان در برنامه‌های مشترک بخش عمومی و خصوصی از یک سو و کمک به پیشگامی‌هایی که بتوانند به نحوی قابل ملاحظه به جامعه سود برسانند، پدید آورید؟

#### ۱. تنظیم قواعد

- از چه ابزارهای سیاستی می‌توانید برای اعطای مشوق به صنعت در خصوص پیشگامی‌های دیجیتالی که برای جامعه ارزش آفرین باشند، بهره بگیرید؟ تنظیم مقررات مناسب در چه مواردی می‌تواند به آزاد کردن ارزش‌های قابل ملاحظه‌ای برای جامعه منجر شود؟

- منافع مصرف‌کنندگان را در عصر دیجیتال چگونه تعریف می‌کنید؟ و چه ابزارهایی برای ارزیابی تأثیرات اجتماعی احتمالی پیشگامی‌های دیجیتال جدید دارید؟

#### ۲. ساختن ظرفیت‌های مناسب

- تا چه اندازه قادرید همکاری‌هایی چند ذی‌ربطی را در مسیر دست یافتن به ارزش برای جامعه و برای صنعت طراحی، آغاز و مدیریت کنید؟

• چگونه وجود سطح مناسبی از به اشتراک گذاردن دانش درباره کاربردهای احتمالی فناوری‌های دیجیتال توسط صنعت را تضمین می‌کنید؟ چه مجامع یا پلتفرم‌هایی برای تضمین برقراری سطح مناسبی از گفتگو میان صنعت و دولت مورد نیاز هستند؟

## ۲-۲-۳- تحلیل

مفهوم‌پردازی انجام‌گرفته در این گزارش (و گزارش دوم که در سال ۲۰۱۷ منتشر شده) درباره ارزش تحول دیجیتال برای جامعه و برای صنعت می‌تواند ابزار تحلیلی مناسبی برای ارزیابی تأثیرات اجتماعی فناوری‌های مبتنی بر فضای مجازی باشد. این رویکرد به همراه پرسش‌هایی که در پایان گزارش آمده می‌توانند برای حکمرانی فضای مجازی در ایران الهام‌بخش باشند و به شکل‌گیری حکمرانی چند ذی‌ربطی و رسیدن به درک بهتری از چرایی لزوم اتخاذ این رویکرد کمک کنند.

از سوی دیگر، گزارش به چالش‌های مهمی در خصوص فضای مجازی، زیرساخت‌های مورد نیاز برای آن و همچنین کالاها و خدماتی که با تکیه بر این فضا تولید می‌شوند، اشاره می‌کند. مسئله از بین رفتن برخی از انواع مشاغل و همچنین تحت تأثیر گرفتن برخی انواع دیگر یکی از چالش‌های مهم پیش روی حکمرانی فضای مجازی است که نمونه آشکار آن را می‌توان در مورد تاکسی‌های اینترنتی و تأثیر آن‌ها بر تاکسیرانی سنتی مشاهده کرد. اگرچه تخمین گزارش این است که اثر خالص تحول دیجیتال در بازه زمانی ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۵ بر بازار کار در صنایع بررسی شده مثبت خواهد بود، اما لازم است که مطالعات اختصاصی مشابهی درباره بازار کار در ایران انجام گیرد. علاوه بر این، حتی اگر این اثر خالص مثبت باشد، کماکان باید چالش‌هایی که برای کسانی که شغل خود را از دست می‌دهد یا شغلشان دچار دگرگونی می‌شود، پدید می‌آید، مطالعه و مدیریت شود.

مسئله اعتماد به فناوری‌های دیجیتال نوظهور نیز دارای اهمیت ویژه‌ای است. این گزارش عمدتاً رویکردی اقتصادی دارد و موضوع اعتماد را از منظری جامعه‌شناختی مورد بررسی قرار نداده است. اما این چالش می‌تواند برنامه‌های تجاری مبتنی بر فضای مجازی را از نظر اقتصادی با شکست مواجه کند و همچنین، می‌تواند موجب مقاومت سیاستی در برابر سیاست‌ها و

تصمیمات دولتی گردد. نمونه چنین چالشی را می‌توان در مورد فیلترینگ شبکه اجتماعی تلگرام و مهاجرت به شبکه‌های اجتماعی داخلی مشاهده کرد.

### ۳- وضعیت حکمرانی فضای مجازی در کشور بر مبنای حکمرانی چند ذی‌ربطی

همچنانکه در بخش ۲ اشاره شد، یونسکو در سال ۲۰۱۸، پیش‌نویس متنی را با عنوان «شاخص‌های جهانشمول بودن اینترنت» منتشر کرد. این متن دارای مجموعه‌ای از شاخص‌ها برای هر یک از اصول چهارگانه جهانشمول بودن اینترنت و همچنین برخی شاخص‌های ترکیبی است. از آنجا که در این بخش، در پی ترسیم وضعیت حکمرانی فضای مجازی در کشور هستیم، شاخص‌های مربوط به اصل مشارکت چند ذی‌ربطی در پیش‌نویس مذکور را مبنای قرار می‌دهیم و با تکیه بر آن‌ها، وضعیت کشور را بررسی می‌کنیم. در برخی موارد، تغییراتی در شاخص‌ها ایجاد خواهیم کرد تا بر منظر ملی این گزارش متمرکز شویم.

شاخص‌های مشارکت چند ذی‌ربطی در سند مذکور به ترتیب زیر در سه دسته جای می‌گیرند:

- چهارچوب سیاستی، حقوقی و مقرراتی
- حکمرانی ملی اینترنت
- حکمرانی منطقه‌ای و بین‌المللی

در ادامه، وضعیت کشور را در مورد هر یک از شاخص‌ها به اختصار بررسی می‌کنیم.

#### ۳-۱- چهارچوب سیاستی، حقوقی و مقرراتی

- آیا چهارچوب سیاستی، حقوقی و مقرراتی جامعی برای توسعه و سیاستگذاری در حوزه اینترنت در کشور وجود دارد که با هنجارهای بین‌المللی سازگار باشد؟

در مورد این شاخص، عبارت «سازگاری با هنجارهای بین‌المللی» را کنار می‌گذاریم و بر سطح ملی متمرکز می‌شویم. همچنین، نقطه تمرکز ما فضای مجازی است که الزاماً به اینترنت محدود نمی‌شود. بدین ترتیب، پرسش پیش رو این است که «آیا چهارچوب سیاستی، حقوقی و مقرراتی

جامعی برای توسعه و سیاست‌گذاری در حوزه فضای مجازی وجود دارد؟» در مورد پرسش‌های بعدی نیز همه جا «اینترنت» را به «فضای مجازی» تغییر خواهیم داد.

در حال حاضر، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس شورای اسلامی، شورای عالی فضای مجازی، کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات، هیئت دولت و سازمان تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر چهارچوب‌های سیاستی و مقرراتی را در حوزه فضای مجازی تدوین می‌کنند. سیاست‌های کلی شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای، سیاست‌های کلی امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات و ارتباطات، سند تبیین الزامات شبکه ملی اطلاعات و مصوبات سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی از جمله اسناد سیاستی و مقرراتی مهم در زمینه فضای مجازی هستند، اما تاکنون چهارچوب سیاستی و مقرراتی جامعی تدوین نشده است.

• آیا دولت مشارکت عمومی در فرایندهای سیاستی ملی را تشویق می‌کند؟

مشارکت عمومی در فرایندهای سیاستی از طریق انتخابات و تعیین نمایندگان مجلس و رئیس جمهور انجام می‌گیرد. اما فارغ از انتخابات، مسیرهایی رسمی و تثبیت‌شده برای شناسایی دغدغه‌ها و علائق شهروندان و مشارکت آن‌ها به هنگام تدوین سیاست‌ها وجود ندارد. در مرحله تدوین سیاست، معمولاً گزارش یا سندی در خصوص «تحلیل ذی‌ربطان» تنظیم نمی‌شود. اگرچه برخی نهادها مانند مرکز پژوهش‌های مجلس و مرکز ملی فضای مجازی گفتگوهایی را با برخی نمایندگان ذی‌ربطان انجام می‌دهند، اما دغدغه‌ها، منافع و علائق ذی‌ربطان گوناگون به شکلی نظام‌مند و ساختاریافته در پیش‌نویس‌های سیاست‌ها و مقررات منعکس نمی‌شوند. علاوه بر این، رویه‌هایی چون انتشار پیش‌نویس سیاست‌ها و مقررات و درخواست از شهروندان برای ثبت نظرات خود درباره آن‌ها معمول نیست. بدین ترتیب در اکثر موارد، جامعه هنگامی از سیاست‌ها و مقررات مطلع می‌گردد که اسناد مربوطه به تصویب می‌رسند و به مرحله اجرا در می‌آیند، در حالی که بخش‌های کوچک یا بزرگی از جامعه احساس می‌کنند که منافع آن‌ها در خطر قرار گرفته یا دغدغه‌هایشان لحاظ نشده است. در عین حال، ذی‌ربطان قدرتمند مانند سازمان نظام صنفی رایانه‌ای، اتاق بازرگانی، اپراتورهای مخابراتی و برخی دیگر از بازیگران بزرگ از طریق مسیرهای غیررسمی و به صورت غیرشفاف با نهادهای تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر در تعامل هستند و بر سیاست‌گذاری‌ها و تنظیم مقررات تأثیر می‌گذارند.

علاوه بر این، سازوکارهای رسمی و تثبیت‌شده کارایی برای اخذ بازخورد از ذی‌ربطان در مورد تبعات اجرای یک سیاست یا اعمال یک مقررہ یا قانون شکل نگرفته است. در چنین شرایطی، ذی‌ربطان بازخوردهای خود را از مسیرهای غیررسمی خصوصاً از طریق فضای مجازی اعلام می‌کنند و این کار در موارد متعددی، شکلی اعتراضی به خود می‌گیرد. در حالی که اگر ذی‌ربطان مشارکت فعالانه و شفافی در مرحله تدوین سیاست و مقررات داشته باشند یا آنکه پیش‌نویس سیاست یا قانون با مشارکت ذی‌ربطان به بحث گذارده شده بود، ممکن بود بسیاری از بازخوردهای نهایتاً اعتراضی در مراحل آغازین به شکل دغدغه‌های ذی‌ربطان و در موقعیتی مشارکتی دریافت شود و خود را در تدوین سیاست‌هایی که منافع گروه‌های بیشتری را مد نظر قرار دهد یا اقداماتی جبرانی را برای ذی‌ربطانی که منافع‌شان در خطر قرار می‌گیرد، نشان دهد.

• آیا دولت به شهروندان و گروه‌های ذی‌ربط پاسخگوست؟

سطح پاسخگویی در نهادهای مختلف از جمله مجلس، بخش‌های مختلف دولت منتخب و نهادهای سیاستگذار بالادستی پایین است. سازوکارهای فعال کنونی به امکان طرح سؤال از رئیس جمهور و وزرا توسط نمایندگان مجلس یا استیضاح آن‌ها محدود می‌شود و مسیرهایی رسمی برای درخواست شهروندان از بخش‌های مختلف حاکمیت برای ادای توضیح درباره اقدامات وجود ندارد. علاوه بر این، بخش‌های مختلفی از حاکمیت و نهادهای عمومی غیردولتی به دلیل ماهیت انتصابی یا غیردولتی‌شان، خود را به مجلس و عموم شهروندان پاسخگو نمی‌دانند. در عین حال، برخی از ذی‌ربطان قدرتمند قادرند از طریق ارتباطات خود با نهادهای حاکمیتی، نسبت به سیاست‌ها و مقررات بازخورد دهند و از حاکمیت پاسخ بخواهند.

### ۳-۲ - حکمرانی ملی فضای مجازی

• آیا انجمن‌های فعالی از متخصصان، مصرف‌کنندگان و دیگر گروه‌های ذی‌ربط وجود

دارد که بر مسائل مربوط به سیاستگذاری و حکمرانی فضای مجازی متمرکز یا در آن‌ها درگیر باشد؟

انجمن‌های تخصصی معدودی در حوزه فضای مجازی فعال هستند و کاربران اینترنت انجمن‌های فعالی ندارند. تقریباً هیچ یک از انجمن‌های فعال بر سیاستگذاری و حکمرانی فضای مجازی



متمرکز نیستند و دخالتی رسمی در فرایندهای تدوین، اجرا و ارزیابی سیاست ندارند. اما برخی نهادهای صنفی تأثیرگذاری غیرمحسوس دارند.

• آیا دولت به نحوی فعالانه دیگر گروه‌های ذی‌ربط را در تدوین سیاست‌ها و قوانین ملی فضای مجازی درگیر می‌کند؟

انجمن‌های موجود یا سایر تشکل‌های ذی‌ربطان به شکلی رسمی در فرایندهای سیاستگذاری و حکمرانی فضای مجازی مشارکت داده نمی‌شوند. برای مثال، فراهم‌کنندگان خدمات اینترنتی، صاحبان کسب‌وکارهای اینترنتی، تولیدکنندگان محتوا و گروه‌های کاربران کرسی دارای حق رأی یا حتی کرسی مشورتی در شورای عالی فضای مجازی ندارند و به صورت رسمی، از آن‌ها برای طرح دیدگاه‌هایشان یا برای بازخورد دادن درباره پیش‌نویس‌ها دعوت نمی‌شود. سیاست‌گذاری‌ها و تدوین مقررات معمولاً پشت درهای بسته و با حضور نمایندگان دولت و اعضای انتصابی انجام می‌گیرد. در عین حال، ذی‌ربطان قدرتمند دیدگاه‌های خود را از طریق اعضا و نهادهایی که با آن‌ها در ارتباط‌اند به صورت غیررسمی و غیرمستقیم طرح می‌کنند.

• آیا مجمعی از ذی‌ربطان در زمینه حکمرانی ملی فضای مجازی وجود دارد که به روی تمامی ذی‌ربطان باز باشد و گروه‌های ذی‌ربط گوناگون در آن مشارکت فعال داشته باشند؟

مجمعی از ذی‌ربطان که به روی تمامی ذی‌ربطان باز باشد و گروه‌های مختلف در آن مشارکت کنند، شکل نگرفته است.

• آیا نظام ثبت نام دامنه ملی تمامی ذی‌ربطان را در فرایندهای تصمیم‌گیری خود درگیر می‌کند؟

سازوکار ثبت دامنه ملی (IRNIC) در چارچوب حاکمیت فعالیت می‌کند. ذی‌ربطان در فرایندهای تصمیم‌گیری این سازوکار مشارکت رسمی ندارند.

### ۳-۳- حکمرانی منطقه‌ای و بین‌المللی

• آیا دولت دیگر گروه‌های ذی‌ربط را به شکلی فعالانه در تدوین سیاست‌ها در خصوص حکمرانی بین‌المللی فضای مجازی درگیر می‌کند؟

به طور کلی، دولت ایران در تدوین سیاست‌های حکمرانی بین‌المللی فضای مجازی چندان فعال نبوده است. فعالیت‌های انجام‌شده نیز از طریق نهادهای حاکمیتی صورت گرفته و دیگر گروه‌های ذی‌ربط در این زمینه مشارکتی رسمی نداشته‌اند.

- آیا دولت و دیگر ذی‌ربطان به نحوی فعالانه در مجامع بین‌المللی در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات و اینترنت مشارکت می‌کنند؟

ذی‌ربطان غیردولتی ایرانی به صورت رسمی در مجامع بین‌المللی در حوزه فضای مجازی شرکت نداشته‌اند.

- آیا دولت و دیگر ذی‌ربطان به نحوی فعالانه در آیکان مشارکت می‌کنند؟

دولت ایران در کمیته مشورای دولتی (GAC) آیکان مشارکت داشته است. IRNIC نیز با آیکان همکاری دارد.

#### ۴- جمع‌بندی

می‌توان شاخص‌های دیگری را به فهرست فوق افزود. اما همین مرور کوتاه، نکاتی کلیدی را در خصوص وضعیت حکمرانی فضای مجازی در ایران مشخص می‌کند.

۱. شیوه حکمرانی کنونی فضای مجازی از رویکردی غیرمشارکتی و بالا به پایین پیروی می‌کند و فاصله بسیار زیادی با حکمرانی چند ذی‌ربطی دارد. در شیوه کنونی، ذی‌ربطان غیردولتی و غیرحاکمیتی نقشی رسمی در تدوین، ابلاغ و ارزیابی سیاست‌ها، مقررات و قوانین ندارند، اما از آن‌ها انتظار می‌رود که از تصمیمات اتخاذشده پیروی کنند. به عبارت دیگر، آن‌ها تنها نقشی منفعلانه به هنگام اجرای سیاست‌ها و قوانین دارند. در عین حال، ذی‌ربطان قدرتمند به صورت غیررسمی و غیرشفاف بر تصمیم‌گیری‌ها تأثیر می‌گذارند.

۲. بخش‌های بزرگی از ذی‌ربطان غیرحاکمیتی فاقد انجمن‌های فعال در حوزه حکمرانی هستند. انجمن‌های تولیدکنندگان محتوا، فراهم‌کنندگان خدمات اینترنتی، صاحبان کسب‌وکارهای اینترنتی مشارکت رسمی در حکمرانی ندارند، اما به صورت غیررسمی بر آن تأثیر می‌گذارند. علاوه بر این، تشکل‌های کاربران شکل نگرفته‌اند.

۳. در بیانی خلاصه، می‌توان گفت که وضعیت بخش بزرگی از ذی‌ربطان در ایران در برابر شورای عالی فضای مجازی و سایر نهادهای سیاست‌گذار و تنظیم‌گر شبیه به وضعیت ایران و بسیاری

از کشورهای دیگر در برابر ایالات متحده در خصوص حکمرانی بین‌المللی فضای مجازی است. همانطور که ایران و بسیاری از کشورهای دیگر احساس می‌کنند که عملاً نقشی در حکمرانی بین‌المللی فضای مجازی و خصوصاً در آیکان ندارند، اما تحت تأثیر تصمیم‌گیری‌های ایالات متحده به طور کلی و آیکان به طور خاص قرار می‌گیرند، ذی‌ربطان غیرحاکمیتی خصوصاً کاربران فضای مجازی احساس می‌کنند که فرصتی برای بیان منافع و دغدغه‌های خود در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها ندارند، اما به شدت تحت تأثیر سیاست‌ها و تصمیم‌های اتخاذ شده قرار دارند. این مقایسه می‌تواند به سیاست‌گذاران یادآوری کند که چگونه این ذی‌ربطان نوعی حس شنیده نشدن، کنار گذاشته شدن، مظلوم واقع شدن و حتی سرکوب شدن را در شیوه کنونی حکمرانی ملی فضای مجازی ادراک می‌کنند، حسی که شبیه به ادراکی است که سیاست‌گذاران ایران و سایر کشورها در خصوص حکمرانی بین‌المللی فضای مجازی دارند. در همین حال، ذی‌ربطان قدرتمند از طرق غیررسمی و غیرشفاف بر تصمیم‌گیری‌ها تأثیر می‌گذارند. این تأثیرگذاری باعث می‌شود که منافع و حقوق ذی‌ربطان ضعیف‌تر مانند کسب‌وکارهای کوچک یا کاربران بیشتر در معرض خطر یا نقض شدن قرار گیرد.

## ۵- پیشنهادها

- با توجه به ماهیت حکمرانی چند ذی‌ربطی، وضعیت کنونی حکمرانی فضای مجازی در کشور و تمایل دبیر محترم شورای عالی و رئیس مرکز ملی فضای مجازی برای گذار به حکمرانی چند ذی‌ربطی، پیشنهادهای زیر می‌توانند در تغییر شرایط مؤثر باشند:
۱. به شکل‌گیری و رسمیت یافتن انجمن‌های حرفه‌ای و تشکل‌های کاربران در حوزه فضای مجازی کمک شود. خصوصاً، انجمن‌های کسب‌وکارهای فضای مجازی و انجمن‌های کاربران فضای مجازی در این زمینه دارای اهمیت هستند.
  ۲. انجمن‌های حرفه‌ای و تشکل‌های کاربران کرسی‌های رسمی و دائمی در شورای عالی فضای مجازی داشته باشند، حتی اگر این کرسی‌ها مشورتی باشند.
  ۳. به هنگام صورتبندی مسائل و تدوین سیاست‌ها، از انجمن‌های حرفه‌ای و تشکل‌های کاربران برای توضیح دغدغه‌ها، منافع، مشکلات و مطلوبیت‌هایشان به صورت رسمی و شفاف دعوت

شود. انتظار می‌رود که سیاست‌ها و قوانین نهایتاً منافع همین ذی‌ربطان را تا حد امکان محقق سازند، بنابراین، شایسته است که این ذی‌ربطان به هنگام تدوین سیاست‌ها و قوانین حضور و مشارکت داشته باشند.

۴. سازوکارهای نظرسنجی از کاربران و دیگر ذی‌ربطان از طریق ابزارهای مختلف طراحی و فعال شود تا بتوان ادراک ذی‌ربطان را از وضعیت موجود و وضعیت مطلوب و همچنین، بازخوردهای آن‌ها را نسبت به سیاست‌ها و قوانین موجود به نحوی فعالانه دریافت. نباید نسبت به این ادراک و بازخورد بی‌توجه بود تا آنکه در قالبی اعتراضی و از طرفی غیررسمی مطرح گردند.

۵. اعضای شورای عالی و کارشناسان مرکز ملی فضای مجازی باید برنامه‌های گسترده‌تری برای گفتگو با ذی‌ربطان مختلف داشته باشند تا صدای گروه‌های مختلف ذی‌ربطان شنیده شود. خصوصاً باید گروه‌هایی که امکان‌های کمتری برای رساندن صدای خود به شورا دارند، مد نظر قرار گیرند؛ مانند کاربران منفردی که فاقد تشکل هستند، صاحبان کسب‌وکارهای اینترنتی کوچک که عضو انجمن‌های حرفه‌ای نیستند، ساکنان مناطق دور از پایتخت، گروه‌هایی که دغدغه‌هایی اختصاصی دارند مانند زنان، نوجوانان، اقلیت‌های دینی و قومی و معلولان.

۶. در مسیر تدوین هر سیاست، مقرر یا قانون، لازم است که «سند تحلیل ذی‌ربطان» تنظیم گردد. این سند باید به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

- چه ذی‌ربطانی از سیاست، مقرر یا قانون مورد بحث تأثیر خواهند پذیرفت؟
- این ذی‌ربطان چه منافع، علائق و دغدغه‌های مرتبطی دارند؟
- چه اقداماتی برای تشخیص این منافع، علائق و دغدغه‌ها انجام گرفته است؟
- انتخاب‌های سیاستی و تقنینی پیش رو منافع و علائق کدام یک از ذی‌ربطان را محقق می‌سازد و منافع و علائق کدام یک را در خطر قرار می‌دهد؟
- در صورت بروز تزاخم میان منافع و علائق ذی‌ربطان مختلف (که در اکثریت قریب به اتفاق موارد روی می‌دهد)، چگونه ذی‌ربطانی که منافع خود را از دست می‌دهند، در خصوص سیاست‌ها و تصمیمات اتخاذشده اقناع خواهند شد و چه اقدامات جبرانی‌ای برای آن‌ها انجام خواهد گرفت؟

۷. سند تحلیل ذی‌ربطان باید حتی‌المقدور به عنوان ضمیمه سیاست، مقرر یا قانون منتشر گردد یا مفاد آن در قالب کنفرانس‌های مطبوعاتی، سخنرانی‌ها یا جلسات حضوری با

- ذی‌ربطان بیان شود تا ذی‌ربطان دریابند که منافع و علائق آن‌ها و همین‌طور، در خطر قرار گرفتن احتمالی آن‌ها (در مورد ذی‌ربطانی که متضرر می‌شوند) مد نظر قرار گرفته است.
۸. پس از تدوین یک سیاست، مقرر یا قانون، جلساتی با نمایندگان ذی‌ربطان ترتیب داده شود و درباره تأثیرات آتی ناشی از اجرای تصمیمات با آن‌ها گفتگو شود. مواجهه با این تأثیرات باید پیش‌فعالانه باشد، یعنی آگاهی‌ها و واکنش‌های لازم باید پیش از وقوع اثرات شکل گرفته و بررسی شده باشند.
۹. پس از اجرای سیاست، باید ارتباط با ذی‌ربطان مختلف تداوم یابد تا بازخوردها به سرعت دریافت شود و پیش از آنکه به خطر افتادن منافع برخی از ذی‌ربطان یا سایر اثرات اجرای تصمیمات موجب اعتراض یا ناپایداری گردد، شرایط مجدداً مورد بررسی قرار گیرد و در صورت لزوم، تعدیل‌های متناسبی در سیاست، مقرر یا قانون اعمال شود.
۱۰. مسیرهای مشارکت ذی‌ربطان بر تصمیم‌سازی‌ها شفاف گردد تا از شدت تأثیرگذاری غیررسمی و غیرشفاف ذی‌ربطان قدرتمند کاسته شود. تقویت مشارکت ذی‌ربطان ضعیف و فاقد صدا در وضعیت کنونی از یک سو و کاستن از تأثیرگذاری غیررسمی و غیرشفاف ذی‌ربطان قدرتمند از سوی دیگر به ایجاد توازن میان برآورده شدن منافع/علائق گروه‌های مختلف ذی‌ربطان کمک می‌کند.

## ۶- منابع

سلطانی، نصرالله، ۱۳۹۶، به سوی کنوانسیون سایبری، جریان‌شناسی هنجارها و پایش روندها، جلد اول: بررسی محیط بین‌الملل، انتشارات سپند قلم.

*The Compendium of Cultural Policies and Trends (CCPT)*, 2019, "Multistakeholder Governance in the Field of Culture", Retrieved from: <https://www.culturalpolicies.net/web/multi-stakeholder-governance.php>

Hemmati, Minu, 2002, *Multi-stakeholder Processes for Governance and Sustainability*, Earthscan Publications, London.

International Program for the Development of Communication (IPDC), 2018 *UNESCO'S Internet Universality Indicators*, UNESCO, Retrieved from: [https://en.unesco.org/sites/default/files/unesco\\_internet\\_universality\\_indicators\\_second\\_version.pdf](https://en.unesco.org/sites/default/files/unesco_internet_universality_indicators_second_version.pdf).

Kurre, Collin, 2017, *Participation, Coordination, Agreement, Action? Evaluating the Multistakeholder Model in Internet Governance*, Unpublished Thesis, Georgetown University.

Mueller, Milton, 2014, "Are critics of Multistakeholder Governance Committing a Nirvana Mistake?", Retrieved from: <https://www.internetgovernance.org/2014/07/08/are-critics-of-multistakeholder-governance-committing-a-nirvana-mistake>.

Van der Spuy, Anri, 2017, *What if we all governed the Internet?*, UNESCO, Retrieved from: [https://en.unesco.org/sites/default/files/what\\_if\\_we\\_all\\_governed\\_internet\\_en.pdf](https://en.unesco.org/sites/default/files/what_if_we_all_governed_internet_en.pdf).

World Economic Forum (WEF), 2016, *Digital Transformation of Industries: Societal Implications*, Retrieved from: <http://reports.weforum.org/digital-transformation/wp-content/blogs.dir/94/mp/files/pages/files/dti-societal-implications-white-paper.pdf>.

World Economic Forum (WEF), 2017, *Unlocking Digital Value to Society: A new framework for growth*, Retrieved from: <http://reports.weforum.org/digital-transformation/wp-content/blogs.dir/94/mp/files/pages/files/dti-societal-implications-white-paper.pdf>.

حوزه فضای مجازی به اندازه انقلاب اسلامی اهمیت دارد. این فضا مثل یک رودخانه پر از آب و خروشان است که می آید و دائماً هم پر آب آن افزوده و خروشان تر می شود. اگر ما بر این رودخانه تدبیر کنیم و برنامه داشته باشیم، زهکشی کنیم و هدایت کنیم این رودخانه را تا به سد بریزد، می شود فرصت. اگر رهاش کنیم و برنامه ای برای آن نداشته باشیم می شود یک تهدید.



[csri.majazi.ir](http://csri.majazi.ir)